

راه توده

نشره همدارلان حزب توده ایران در خلیج از کشور

جمعه ۲۶ فروردین ۱۳۶۱ مطابق ۲۱ جمادی الاخر
۱۳۰۳ و ۱۸ آوریل ۱۹۸۳
سال اول، شماره ۳۷
هبتا: ۱۰۰، رساله

نگرانی امام بجاست

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه ۱۹ فروردین در عین هشدار به راستگرایان و هواداران کلان سرما - به داری و بزرگ زمین داری نگرانی امام خمینی را به اطلاع مردم رساند. نگرانی امام را نسبت به امر بسیرت و تعمیبه انقلاب، نگرانی امام را نسبت به سرنوشت انقلاب!

این نگرانی بسیار بجاست

انقلاب در خطر جدی است. تناسب قوای شکننده میان نیروهای راستگرا و مدافع کلان سرمایه داری و بزرگ زمینداری که در لباس مذهب، راه تعمیق انقلاب را به نفع زحمتگشان مسدود کرده اند، و با حفظ و تقویت پایه های اقتصادی اجتماعی گذشته سیاه به باز سازی اوضاع قیل از انقلاب مشغولند از یکسو و نیروهای مدافع تعمیق انقلاب و اصلاحات بنیادی به نفع خلق از سوی دیگر را باید با تجویز و بسیج توده های زحمتکش، زیر رهبری امام خمینی که تنها ضامن ادامه و تعمیق انقلاب است، به نفع نیروهای دوم بهم زد و حلقه گسنده و خضرناکی را که دارد گلوی انقلاب را می فشارد شکاند! انقلاب در خطر است، زیرا مسلمانان مبارز انقلابی نتوانسته اند برنامه روشن و مشخص تغییرات بنیادی اقتصادی و اجتماعی به نفع خلق را ارائه دهد و به مورد اجرا بگذارند.

بقیه در صفحه ۶

شاد باش نوروزی حزب توده ایران نوروزتان خجسته

تاریخ و انقلاب ما، به پشتوانه حضور و عزم کارگران و دهقانان و همه زحمتگشان میهن انقلابی ما، امیدها و نویدهای بسیار همسراه دارد.

آفتاب نیروبخش بهار را می نوشیم،
مقدم طریناک نوروز را تهیت می گوئیم،
نوروزهای سرشار از پیروزی های نور، برای انقلاب شگوهند میهنمان آرزو می کنیم،
و به یاران و سرداران حزیمان که عید را در بند و زندان می گذرانند، درودهای آتشین خویش را همرا با میثاق ادامه و فادارنه راه روزمشان نثار می کنیم.

این شاد باش در آستانه نوروز در سراسر کشور پخش شد.

نوروز، این سنت و میراث همیشه جوان را به یاران و رفیقان و همه مردم میهنمان شاد باش می گوئیم. رستاخیز گل و سرسبزی که با ترانه - خوانی بلبل و پرستو آمیخته، شرر مردم در دور ریختن کهنه ها و غبارها، استقبال از آنچه نسو و شکوفان است، از لبخند و دبدار و شادی، نشانه نیروی بی زوالی است که در این سنت مردمی و جشن و خانه تکانی طبیعت نهفته است. این نیرو را به آرمان های تاریخ ساز انقلاب شگوهندمان پیوند می زنیم، این نیرو را به نبرد آشتی ناپذیر توده ها با امپریالیسم و هر آنچه ضد مردمی و تاریک و لاجرم مهر و نشنسان کهنگی و بوسیدگی برخوردار و لایق پایمال کردن و دور ریختن است، فرا بخوانیم. پنجمین نوروز انقلاب در یکی از حساس ترین لحظه های

کاربرد اصطلاح قدرتهای بزرگ بجای امپریالیسم آمریکا به معنی فراموش کردن شعار مرگ بر آمریکا است

حجت الاسلام خامنه ای، رئیس جمهور و رئیس شورای عالی دفاع در مسافرت خود به بندرعباس طی یک سخنرانی به جنگ دفاعی ایران در مقابل تجاوز صدام اشاره کرد و آن را نتیجه توطئه "قدرتهای بزرگ" دانست. وی گفت: "قدرت های بزرگ (!) منافعشان را با این انقلاب مورد تهدید یافتند" و افزود: "همین دو ماه قبل بود که وزیر دفاع یکی از کشورهای اروپایی به کشورهای عضو پیمان ناتو صریحاً هشدار داد و اعلام کرد، که چون منافع قدرتهای بزرگ در ایران با جنگ ایران و عراق مورد تهدید قرار می گیرد پس قدرتها باید از منافع خودشان دفاع کنند." اگرچه حجت الاسلام خامنه ای در دنباله سخنانش از "آمریکا"، که دشمن اصلی خلقهای ایران و جهان است، مشوق تجاوز صدام به ایران میباشد، ارتش تجاوز سرپوش تاندان مسلح خود را در مرزهای جنوبی ایران متمرکز کرده است و عربستان سعودی و پاکستان "اسلامی" را هر روز بیشتر مسلح میکند و در نزدیکی مرزهای ایران و ترکیه "اسلامی" پایگاههای جدید می سازد، بالاخره یکبار نام برد، نمی توان این نکته را نادیده گرفت، که در تمام این سخنان شعار "مرگ بر آمریکا" خواسته یا ناخواسته، فراموش شده است.

امیدواری این که "امروز کامیوترهای آمریکایی نمی دانند ما هواپیما چی داریم، چقدر داریم و چگونه داریم" باید قاعدتاً به علت نادیده گرفتن کشمیر، کلاهی ها، امیران نظامها، قطب زاده ها، محزیه ها و ۱۰۰۰ های شناخته شده باشد، والا بنیه در صفحه ۸.

تهمت در زنجیر

متن شعر در صفحه ۲

احزاب برادر و نیروهای ضد امپریالیستی از حزب توده ایران دفاع می کنند

افترا آتی بی پایه آنان، ششم فوریه ۱۹۸۳ به حزب توده ایران هجوم برده و تعداد زیادی از اعضای آن و از جمله رفیق نورالد یسن کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب را بازداشت کرد. این عملی است بر خلاف قانون اساسی و دیگر قوانین کشور که رعایت اصول دموکراتیک و حقوق اولیه خلق را تضمین میکند.

بقیه در صفحه ۴

روزنامه نیان زان ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام در شماره ۲۰ مارس ۱۹۷۳ (۲۹ اسفند ۱۳۶۱) خود زیر عنوان "آزادی برای نورالد یسن کیانوری و اعضای حزب توده ایران" چنین مینویسد:
اخیراً مقامات حاکم جمهوری اسلامی ایران دست به اعمال تضحیتی علیه نیروهای مترقی و کمونیست های این کشور زد. بر اساس

زنده باد حزب توده ایران مدافع راستین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

تهمت در زنجیر

پوشیده از زخم
و پپچیده در خرقره‌ای از پوست ببر وابر
از سر اشیب سحر فرود می‌آئی
و در معبرت
ویرانه‌های عشق
خاطره‌های کهن را احیا می‌کنند
و در وجودت
مردگان به رو یا بدل می‌شوند

از عشق و از شبیخون
یکدم جدا نبوده‌ای
موهایت
زان پیش که از باد و آفتاب بیژمرد
از غبار میدان نبرد همیشه
سپید شد

قلب اساطیری ات ، اما
ای جوانی هفتادساله
در خونبارش مهلکه‌های هنوز و همیشه
گوس و طبل می‌نوازد
در زیر بیرق عشق

بهتان به تو
شمشیر مرده‌ای است
گفران نعمت است
انگار زنبق
و آفتاب

در کهکشان لبخند
در گدامین آفتاب ، شوکران است آیا
خونبهای سرایندگان رنگین گمان
و پرتاب کنندگان گل ؟

شب بلند است ، اما
بال تو بلندتر از قرن
تاریخ ، آبشار اشک نیست
و نه دیواری سهمگین تر از آرزوی تو
خاکستر آرش

در رگ‌های توست
و گمانش ، آه
این پهلوانی رو یای توست
که زبانه می‌گشند در این گمان
و مرزهای میهن را
به فراخی می‌خوانند

— آنان که زنجیر می‌بافند
در پای آرش
فردا چه می‌گویند
شبیخون افراسیاب را ؟

از لبانت جرعه می‌بارد
و در نگاهت جاری است ابریشم
انفجار معنی تو
حریق است بر فراز سر سه نسل
که اوهام را ذوب می‌کند

و تاج را برفرق بت‌ها
می‌سوزاند

آوازت
در عاج نقش بسته است
آنچه تو لمس کنی
طلالت
و هر آنچه نشانی از تو دارد
آزاد است

هم از اینروست
که با وحی و سکوت
تو سخن می‌گویی
از فراسوی چاهی که دشمن در راحت حفر کرد
و تاج خاری که دوست بر پیشانی غمناکت نهاد
تو سخن می‌گویی
از گف پا تا کاکل برفی‌ات
حتی با دهان مرگت
تو سخن می‌گویی
تو سخن می‌گویی
و زمین‌های میهن

شخم می‌خورد
سایجات در کنار من راه می‌رود
با پایهای مخمل و باد

و عمیق و شفاف
چون آب

بر سر هر دوراهی
دوپازه می‌شود
و در انشعاب هر گوردره
باز می‌شکند

جوانه می‌زند
و تناور می‌شود
و کلاف راه‌ها و کوره‌راه‌های قلات
به تلاطم می‌افتد از سایه بی‌نهایت تو
که در همد آفتاب می‌وزد
و در صیقل هوا

طنینی خاموش می‌اندازد
اینک سپاه شفافش تو ،
پیچان در زره و عرفان :

هیولائی ماورای دیدن ،
قدیس گون ،
با هزاران چشم ارغوانی مست
و جنگلی از دست‌های تنومند
که در دودکش کارخانه‌ها تنوره می‌گشند
و با چنگال داس‌ها

هجوم می‌برد

تهمتن در بند است
دردناکه از زورمندی عشق خویش
به شمایان

و هفت خوان ، خاطره‌ای است
نه در پشت‌سر
در سنگ‌نیشته‌های روبرو
شاهنامه در بلندای ستارگان ورق می‌خورد
و در سرزمین رعد و غزل
شبحی سرسبز در گشت و گذار است

احزاب برادر و نیروهای ضد امپریالیستی از حزب توده ایران دفاع می‌کنند

بیتد از صفحه ۲
سرزمین اسلامی دست به جنگ نیازید هاند
مسلحانه علیه اسلام اقدام نکرده هاند ، اجازه
فعالیت علنی داشته و در بیان عقیده آزادند .

— طی مقاله‌ای که در روزنامه "اومانیت" ، ارگان
حزب کمونیست فرانسه ، در باره دستگیری رفیق
نورالدین کیانوری و سایر رهبران حزب ، به چاپ
رسیده ، آمده است :

" دستگیری این رفقا ، آینده ایران را به
مخاطره می‌اندازد . " مقاله سپس به تزییقاتی
که پس از پیروزی انقلاب در مورد فعالیت‌های
حزب توده ایران بجهل آمده و از جمله جلوگیری
از انتشار نامه " مردم " ، ارگان حزب ، اشاره
کرده و خاطرنشان ساخته است که " فشار جناح
راست افراطی در درون دولت ، باعث گشته
است که تا کنون بسیاری از نیروهای کسبه
می‌توانستند حامی آن بمانند ، رانده شوند . "
حزب توده از محتوای ضد امپریالیستی و تخییرا
اجتماعی بنیادینی که قانون اساسی نوید اجرایی
آنها می‌داد ، حمایت می‌نمود . از آنجا که حمایت
این حزب از دولت ، ترام با انتقاد بود ، بارها
مورد هجوم ضد انقلاب قرار گرفت .

مبارزان توده‌های کسبه‌های طولانی از عمر
خود را در زندانهای شاه سپری کرده هاند ، به
اتهام " جاسوسی و همکاری با کابینه " ب تار
دیگر به بند کشیده شده هاند . "

مقاله سپس به مسئله جنگ عراق و ایران و
منافعی که از ادامه این جنگ فرسایشی که تا
کنون قربانیان زیادی از دو طرف بیار آورده ،
نصیب نیروهای راستگرا میشود ، اشاره کرده
و می‌نویسد : " بنا به اعتقاد برخی ناظران سیا
موضع انتقادی حزب در قبال این جنگ خانفانسوز
می‌تواند بهانه‌ای بدست نیروهای افراطی
مذ هبی جهت دستگیری رهبران حزب داده
باشد . "

کنفد راسیون عمومی کارگران ایتالیا در استان
لاتزیو با ارسال تلگرامی به حضور حجت الاسلام
خامنهای رئیس‌جمهور ، ضمن ابراز تا سرف و نگرانی
از دستگیری عد ه‌ای از رهبران حزب توده
ایران ، از ایشان خواسته است که در مورد
آزادی آنان و برقراری آزادی و دمکراسی در ایران
اقدام نمایند . این کنفد راسیون همچنین عیسن
متن این تلگرام را به سفارت جمهوری اسلامی
ایران در رم و از آن طریق به دولت جمهوری
اسلامی نیز ابلاغ نموده است .

فد راسیون جوانان کمونیست ایتالیا نیز با
انتشار بیانیهای ، تعجب و نگرانی خود را از باز
داشت رفیق کیانوری دبیر اول و سایر مسئولین
حزب توده ، ایران ابراز داشته و ضمن اعلان
همبستگی با رفقای دربند ، آزادی فوری آنان را
خواستار شده است . بیانییه همچنین خواهان
حل سیاسی مسائل حاد ایران ، از طریق همکاری
کلیه نیروهای دمکرات و مترقی ، در چهارچوب
صلح جهانی و تعاون بین‌المللی گردیده
بیتد در صفحه ۲

رفیق مریم فیروز : پیکار جوئی خستگی ناپذیر در امر تشکل زنان



استعداد ازین شخصیت زن بسیار والا و ارجمنده است . آری حزبی که سرسخت ترین و بی گنجه ترین نیروی ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی بوده هوست باید هم مورد کینه و نفرت دشمنان مردم ایران قرار گیرد . اتهام زنی علیه حزب توده ایران از جانب امپریالیسم تازگی ندارد .

احزاب برادر و نیروهای ضد امپریالیستی از حزب توده ایران دفاع می کنند

بنده از صحنه ۲
و اعضا فدراسیون و نیز کلیه جوانان ایتالیا را دعوت به ابراز همبستگی مجدد با مردم ایران نموده است .

- رهبری تعداد کثیری از سندیکا های کارگران و کارمندان در شهر "سالونیک" نگرانی شدید خود را علیه دستگیری نیروهای مترقی و مدافع انقلاب ایران طی قطعنامه سه دولت ایران عنوان ساخته و آزادی سریع دستگیرشدگان را خواستار شدند .
- از جمله اعضا کنندگان قطعنامه فوق رهبری سازمانهای ذیل میباشد:
- سازمان طبّاحان شمال یونان
- سازمان کارگران فولاد شمال یونان
- کارگران و کارمندان صنایع پوشاک شمال یونان
- کارگران و تکنسین های صنایع چوب سالونیک
- کارگران و کارمندان صنایع نساجی مینسک

ایران شخصیت شناخته شده ایست که از او ان جوانی کام در راه مبارزات ترقیخواهانه و آزادی طلبانه گذشت .

رفیق مریم فیروز در سال ۱۲۹۲ در کرمانشاه متولد شد . وی تحصیلات ابتدائی ، متوسطه و عالی را در تهران بپایان رساند و در مهاجرت اجباری سیاسی بد ریافت درجه دکترا در ادبیات زبان فرانسه نائل گردید .

از سال ۱۳۲۰ در نهضت آزاد یخواهی ایران شرکت فعال و پرثمر داشت . وی از سال ۱۳۲۲ در تشکیلات دیمکراتیک زنان ایران به فعالیت خستگی ناپذیر پرداخت و در سال ۱۳۲۳ به عضویت حزب توده ایران در آمد . رفیق مریم فیروز در سال ۱۳۲۷ در کنگره دوم به عضویت مشاور کمیته مرکزی برگزیده شد . وی در همان سال ، پس از کودتای بهمن ۱۳۲۷ ، تحت پیگرد قرار گرفت و در سال ۱۳۲۸ غیابا محکوم به پنج سال زندان با اعمال شاقه شد .

از همان سال ۱۳۲۷ ، رفیق مریم در شرایط پنهانکاری به مبارزات دشوار و پرخطر ادامه داد . در امر بسیج زنان در تشکیلات زنان و حفظ و ادامه مبارزه این سازمان و در سرپرستی فعالیت مطبوعاتی آن ، با از خود گذشتگی کار کرد . بدت ۸ سال زندگی پنهانی رفیق مریم با مبارزه ای خستگی ناپذیر ادامه یافت . در سال ۱۳۳۵ ادامه مبارزه پنهانکارانه وی در ایران ناممکن شد و مجبور به جلائی وطن گردید .

در دوران مهاجرت سیاسی ، که تا پایان سال ۱۳۵۷ دوام یافت ، رفیق مریم فیروز آنی از مبارزه علیه رژیم دست نشانده استبدادی شاه مخلوع بازناستاد . بهنگام مهاجرت ، جسد دا بطور غیابی دویار محکوم شد . بار اول به ده سال زندان و سپس بزندانی ابد با اعمال شاقه . رفیق مریم فیروز در سال ۱۳۵۷ به عضویت کمیته مرکزی حزب توده ایران برگزیده شد و در میهن آزاد شده ما با هسان شور و خستگی ناپذیری همیشگی به امر تشکل زنان در مبارزه بخاطر برابری حقوق و در پیکار برای تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم ایران مشغول شد .

رفیق مریم فیروز مانند دیگر همزمانش ، راه آینده ، زندگی و مبارزه خود را ، با همه خطرهای محتفل در جیبه خلق جستجو کرد و این راه را در صفوف حزب توده ایران همچنان ادامه می دهد . وی می گوید :

" حزب توده ایران به ما زنان این امکان را داد که به حقوق خود آگاه شویم و ما در مکتب این حزب بزرگ انقلابی آموختیم که

رفیق مریم فیروز ، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و مسئول سازمان تشکیلات دیمکراتیک زنان ایران نیز همچون دیگر همزمانان در بندش به "جرم" دفاع از استقلال ملی ، دفاع از دموکراسی و دفاع از طبقات مستکمش دستگیر شد .

دشنام گویی و اتهام زنی علیه حزب توده ایران شیوه آشکار امپریالیسم و ارتجاع بوده و هست که دیگر تازگی ندارد و زن و مرد نمی شناسد . تمام کسانی که به مبارزه پیکاری بر علیه امپریالیسم و عمالش برخیزند مورد کین و نفرت قرار می گیرند و مریم نیز یکی از آنها بود .

او از تبار "ژاندارک" ، از نواد "لیسلا خالد" ، عرصه دار راه همچون "ترشکوا" در مبارزه با ظلم همپای دیگر رفقای قهرمان خود در بندش و بیرون ساز نظام کهن و جولان سپاه جهل شکن بود .

رفیق مریم فیروز با دید وسیع و آگاهی عمیق خود و با تجربه سیاسی و مبارزاتی طولانی خویش به پشتوانه یک زندگی سیاسی سراسر نبرد علیه امپریالیسم ، ارتجاع ، سلطنت پهلوی ، بخاطر سعادتمندی مردم و استقلال و آزادی کشور پرداخت .

رفیق مریم فیروز بعنوان یک زن آگاه و انقلابی میهن ما سراسر زندگی خویش را فعالانه وقف بسیج زنان در مبارزات مردم ایران ، در شناساندن ستم و استثمار و نظامهای مبتنی بر آن از روستای ایران که هنوز بقایای نظام زین ستیز فئودالی باقی و پاپرجاست تا شهرهای بزرگ که در آن زن به عروسکیها و مهرههایی در ماشین غارتگر سرمایه داری تبدیل شده اند کرده است و خدمت ارزنده های به شرکت فعالانه زنان در امر نبرد طبقاتی در عرصه های اجتماعی - اقتصادی کشور از شرکت در تشکلهای کارگری گرفته تا شرکت در سازمانهای دیمکراتیک ، نموده است و در همه حال در مقابله با سیاست زن ستیزانه محافظ راستگرا و دفاع از زحماتشان تلاش پیکاری کرده است . وی در نطق انتخاباتی می گوید :

" بر ما زنان است که هشیارانه بر بالین این کودک تازه بوجود آمده یعنی انقلاب بایستیم و از آن پاسداری کنیم و دست آن نامردانی را که با قصد سوء به این دلیند ما نزدیک می شوند ، کوتاه کنیم ."

زندگی نامه او نبرد طولانی ، پرنج و ایشار بدون توقف در راه مردم ایران ، زرقای میهن پرستی و میهن دوستی او را نشان می دهد :
رفیق مریم فیروز از برجسته ترین بانوان مبارز

درد بر کمیته مرکزی حزب توده ایران

احزاب برادر و نیروهای ضد امپریالیستی از حزب توده ایران دفاع می کنند

پنجه صفحه ۱

این واقعیت انکارناپذیر است که حزب توده ایران در طی ده ها سال موجودیت خود نقش مهمی در مبارزه بخاطر استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی و دموکراسی در کشور ایفا کرده است. این حزب به همراه دیگر نیروهای میهن پرست در ساقط کردن رژیم وابسته سلطنتی شرکت مؤثر داشته است.

در میان کسانی که مقامات حاکمه روانه زندان کرده اند به نامهای کسانی برمیخوریم که در روزا حکومت شاه هریک ۲۵ سال در زندانهای شاه بسر بردند. همه میدانند که در زمانهای اخیر حزب توده ایران کوشش فراوانی برای تثبیت و تحکیم انقلاب بعمل آورده است.

این اعمال تضحیقی علیه حزب توده ایران موجب اعتراضات وسیع در تمام کشورها شده است. باید تاکید کرد که هجوم به حزب توده ایران در زمانی انجام میگیرد که ایرانیان دارنند فشارهای سختی را از جانب امپریالیسم بین المللی و نیروهای راستگرای افراطی در همه زمینهها متحمل میشوند.

هجوم به حزب توده ایران یعنی هجوم به مترقیترین نیروئی که از منافع زحمتکشان ایران دفاع میکند، مغایر با منافع ملت ایران است و بسود امپریالیسم و ارتجاع می باشد.

به همراه احزاب کمونیست و نیروهای مترقی در سراسر جهان ما بر همبستگی خود با حزب برادر حزب توده ایران تاکید میکنیم. محافل مترقی اجتماعی همه کشورها بانگ اعتراض خود را علیه این بازداشتها بلند کرده اند و خواهان آزادی فوری رفیق نورالدین کیانوری و دیگر اعضای حزب توده ایران هستند.

در بولتن اطلاعاتی کمیته مرکزی حزب کمونیست یونستان برای ماههای ژانویه-فوریه ۱۹۸۳، در صفحه ۲۸ مطلبی زیر عنوان "حزب کمونیست یونان اعتراض میکند" به چاپ رسیده است. این مطلب حاکی از آنست که نهم فوریه ۱۹۸۳ یعنی سه روز پس از بازداشت هاه یک هیئت نمایندگی از کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان بریاست رفیق کاپس عضو کمیته مرکزی و نماینده مجلس یونان، رفقا پاپا پتروس و آمبا تیلس اعضای مشاور کمیته مرکزی به سفارت ایران رفته اند تا علیه دستگیری رفیق نورالدین کیانوری در بیس اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و دیگر کمونیستها اعتراض نمایند.

هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان نگرانی عمیق کمونیست های یونان را به خاطر این بازداشتها به مقامات مسئول سفارت جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده و خواهان آزادی فوری رفقا و قطع تضحیقات علیه میهن پرستان ایرانی شده است.

این هیئت اعتراض کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان را نیز تسلیم سفارت کرده است.

روزنامه "فرورد" چاپ سرلانکا در شماره اول ماه مارس خود اعلامیه حزب کمونیست سرلانکا را برای آزادی رهبران حزب توده ایران منتشر ساخته است. در اعلامیه آمده است:

"هیات سیاسی حزب کمونیست سرلانکا نسبت به بازداشت رهبران حزب توده ایران از جمله نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران اعتراض کرده و آزادی آنانرا خواستار است.

اتهام "جاسوسی" و "فعالیت ضد دولتی" نسبت به حزب توده ایران که سالیان دراز در خدمت منافع مردم ایران، مبارزه بی امانسی داشته، در قیام ضد امپریالیستی که منجر به سقوط شاه گردید نقش قابل توجهی ایفا کرده و نیز کوششهای فداکارانهای در دفاع از انقلاب ایران بعمل آورده است، اتهامی است واهی و بی اساس "حزب توده ایران از خط ضد امپریالیستی و تحولات اجتماعی که در قانون اساسی جدید ایران، پیشنهاد شده است با هداقت حمایت کرده و میکند ولی انتقاد آن نسبت به حرکات انحرافی از خط میزبهر حزب را هدف حملات گوناگون محافل ارتجاعی قرار داد.

"نامه مردم" ارگان کمیته مرکزی و سایر نشریات حزب توفیق گردید و تعدادی از اعضا "حزب" که در دوران دیکتاتوری شاه در زندانها بسر می بردند دوباره بزندان افکنده شدند.

"بازداشت دبیر اول و سایر رهبران حزب توده ایران گام دیگری است که در ادامه اینگونه تضحیقات برداشته شده است. این عمل به اعتبار و احترام انقلاب ایران در چشم مردم جهان لطمه میزند.

"حزب کمونیست سرلانکا، از اینرواز مقامات مسئول جمهوری سرلانکا می خواهد به این تحریکات عوامل راستگرا پایان داده و از رهبران حزب توده ایران و اعضا آن رفع بازداشت نمایند.

حزب کمونیست سا مارینو، حوادث اخیر ایران، در رابطه با دستگیری عدامی از رهبران حزب توده ایران و از جمله دبیر اول کمیته مرکزی حزب، رفیق نورالدین کیانوری را، حمله ای به دستاورد های دموکراتیک خلق ایران ارزیابی میکند. و از مقامات و مسلمانان مبارز ایران می خواهد که با آزادی رفقای رهبری حزب، بویژه رفیق کیانوری به تضحیقات علیه حزب توده ایران پایان داده شود و موانع موجود بر سر راه تحقیق انقلاب برداشته شود و از پیشروی و تقویت مواضع نیروهای راستو و پس گرا جلوگیری بعمل آید.

دبیر پیش کینتر یکی از هنرمندان برجسته مترقی آلمان فدرال نامه مشروحی در این زمینه به دفتر امام در تهران ارسال داشته است. وی در این نامه پس از اظهار تأسف از دستگیری رهبران حزب توده ایران، از محضر امام درخواست کرده است که در زمینه آزادی مجدد آنان مشخصا اقدام نمایند.

وی سپس می نویسد: "مایلم به اطلاع شما برسانم که در سالهای ۶۰، بارها علنا و با آمادگی کامل به دفاع از مبارزه مردم ایران بر علیه رژیم ضد انسانی شباهه برخاستام. در جریان این مبارزات بود که در میان سایر دوستانم، رفقای حزب توده ایران را بمثابة مصممترین و مورد اعتمادترین مبارزین راه مردم ایران شناختم. پس از سقوط رژیم شاه نیز علیرغم جنجال تبلیغاتی که نشریات سرمایه داری در آلمان فدرال علیه تحولات اجتماعی و سیاسی در ایران برآوردند، من همواره از انقلاب ایران حمایت نمودم.

بدین مناسبت از آن حضرت تقاضا دارم که اظهارات اینجانب را بمثابة مداخله در امور داخلی کشورشان تلقی ننمایند.

بدون تردید، آن حضرت نیز همانند من به درجه فداکاری اعضای حزب توده ایران در مبارزه بر علیه دیکتاتوری سلطنتی شاه و ضد امپریالیسم بین المللی و بخاطر کسب استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در میهنشان واقفند. آیا برای شما نیز همانند من - توجیه ناپذیر نیست که حال چگونه نورالدین کیانوری و رفقای بیگباره بر ضد مردم و انقلاب کشورشان بیخاسته اند؟! تجربیات میهن من همواره نشان دهنده این امر بوده است که محافل ارتجاعی، فاشیسم و سرمایه بزرگ امپریالیستی، در وارد آوردن فشار و اختناق به مردم، از پیگرد حزب طبقه کارگر آغاز کرده اند و چنین معمول است که ضد انقلاب نیز همواره پس از پیروزی انقلاب در کشوری، بمنظور درهم شکستن آن، ابتدا کوشش در تفرقه افکندن در صفوف انقلابیون نموده است. آنحضرت بهتر از من نیز میدانند که چگونه

منافع امپریالیسم بین المللی در ایران نیز حکم می کند که ابتدا نیروهای انقلابی را متفرق و آنان را سرکوب نماید و سپس چرخ تاریخ را به عقب راند.

بر اساس تحلیل فوق، امیدوارم اشتباهی مرتکب نشده باشم، اگر از آنحضرت استدعا کرد هام که شخصا در مورد آزادی فوری رهبران حزب توده ایران اقدام کنند.

اینجانب، علی الخصوص به شخص شما امید بسته ام، زیرا که هنوز بخوبی گفته های شما را بخاطر دارم.

"کلیه احزاب و گروهها، تا زمانیکه بر علیه پنجه در صفحه ۲

سند تازه‌ای دال بر ماهیت تجاوز کارانه ناتو

سلاح مقدم باشیم، این امر ایجاب می‌کند که قدرتی بازدارنده هسته‌ای متحین تقویت شود. -
سنگی آنها با استراتژی عمدتاً ایالات متحده و مستحکم تر گردد. " در مورد اثرات جنبش‌های صلح اروپا هیچ ادامه می‌دهد: " ما هرگز قادر به اجرا نقشه‌های مشترکمان در این مناطق حیاتی نخواهیم شد، مگر اینکه گرایشهای اروپائیان به بی‌طرفی، انفعال و خلع سلاح یکجانبه بطور جسیدی و استثنائی کنترل شوند. " هیچ " تم " موازنه، تسلیحاتی را اینگونه تعیین می‌کند: " ما باید ضرورت جلب کردن توجه‌ها به تهدیدات نظامی شوروی و فعالیت کردن هر چه

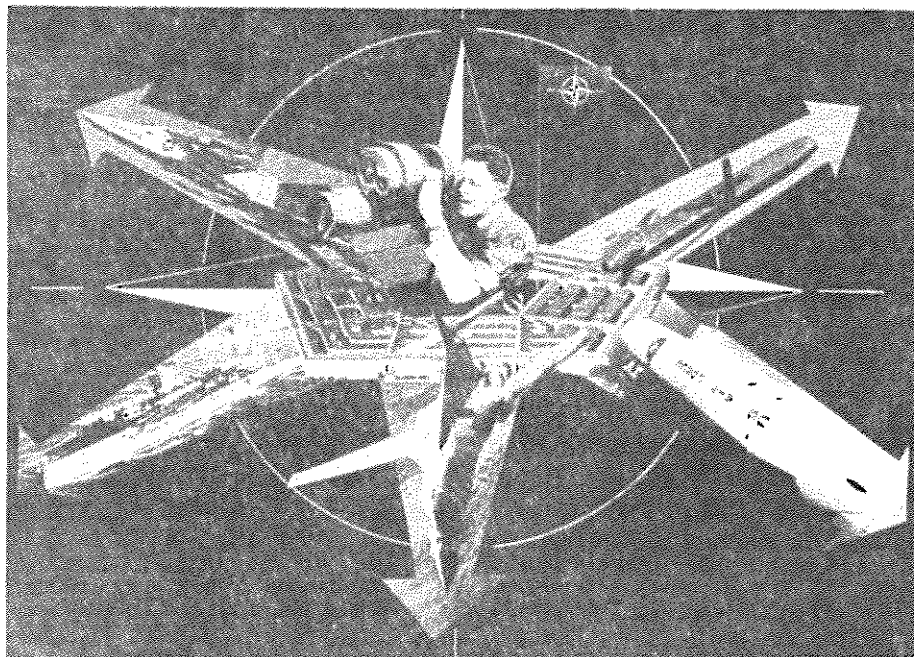
شدند، ما راهی نداریم جز اینکه کشورهای " رقیب القلب " را در اروپا قدری نکلان دهیم. " هیچ شیوه پیاده کردن هدفهای شوم خود را اینگونه بیان می‌کند: " بوجود آوردن آنچنان شرایطی در کشور مورد لزوم که آنها متقاعد شوند که نفعشان در کجاست. " هیچ اضافه می‌کند که این امر " عمل مناسب و مؤثر، ماهیتی حساس " می‌طلبد. هر دوی این اشخاص متواپا بر سر نحوه پیاده کردن آن بحث کرده و هیچ نتیجه می‌گیرند که " من از نبودن " عدم توافق " بین ما در مورد اولویت-هایمان شدیدا خوشحالم. "

بعد از کنفرانس کشورهای عضو پیمان تجاوزکارانه ناتو در اواخر سال گذشته که طی آن برای مبارزه با جنبش رشد یابنده صلح تصمیماتی اتخاذ کردند و خبر از یک کارزار وسیع تبلیغاتی دادند، اینک اولین نشانه‌های این " کارزار صلح " در انگلستان پدیدار گشته است. وزارت دفاع دولت محافظه‌کاران انگلستان که نمایندگانه جناح هار انحصارات امپریالیستی این کشور است، اعلام کرده است که قصد دارد یک میلیون پوند از کیسه مردم این کشور به تبلیغات برای آماده کردن افکار عمومی جهت پذیرش موشکهای کروز و پرشینگ در خاک این کشور اختصاص دهد و بقول خودشان " اطلاعات غلط " جنبش صلح مقابل نماید. در واقع هدف تبلیغات برای جنگ کند.

این موضوع خشم و اعتراض شدید مردم و پارلمان این کشور را به همراه داشته است. جوان روداک رئیس مبارزه برای خلع سلاحهای هسته‌ای ضمن محکوم کردن این اقدام دولت برای " تبلیغات برای جنگ " گفته این کار سبب تحریک مردم به اعتراضات شدید و در مقیاسی باور نکردنی شده و نتیجتاً به گرایش وسیع مردم به طرف صلح دوستان خواهد انجامید. در جریان مبارزات گسترده مردم انگلستان برای جلوگیری از استقرار موشکهای آمریکائی کروز در این کشور و برای مقابله با تبلیغات جدید دولت برلین، سازمان جوانان کمونیست لندن اخیراً اقدام به افشای اسنادی کرده است که پرده‌ها و دوره بازیهای آمریکا و شخص هیچ و ماهیت تجاوزی سازمان ناتو برداشته است.

روزنامه " مورنینگ استار " شنبه ۵ فوریه ۱۹۸۳ ضمن چاپ قسمتی از این اسناد شامل نامه " الکساندر هیچ " به جوزف ام ۱۰۱۰ لوزن دبیر کل سازمان ناتو که در ۲۶ جون ۱۹۷۹ نوشته شده است مطالبی در افشای ماهیت این نامه تحت عنوان " سازمان جوانان کمونیست حقه - های کثیف ناتو را افشا می‌کند " بچاپ رسانیده است که بشرح زیر می‌باشد:

" الکساندر هیچ زمانیکه در ماه جون ۱۹۷۹ از پست فرماندهی ناتو کناره گرفت در نامه‌ای به دبیر کل ناتو دکتر جوزف لوزن نوشت که اگر تبلیغات دولتی برلین برنامه‌های تسلیحات هسته‌ای با شکست مواجه شود، رهبران ناتو آماد دارند که به حقه‌های کثیف متوسل شوند در این نامه که در یک کتابچه از طرف سازمان جوانان کمونیست لندن افشا گردیده هیچ می‌نویسد: " اگر جدلهای لفظی، وادار کردن‌ها و بخد مت گرفتن رسانه‌ها با شکست مواجه



بیشتر همکارهای نزدیکمان با رسانه‌های جمعی آمادام بحاضر داشته باشیم. " سازمان جوانان کمونیست لندن می‌نویسد: " ما بر این عقیده‌ایم که بمنظور حفظ صلح مهم است که جنگ افروزان را درست تشخیص بدیم و دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی یخنسی پنتاگون و ناتو را در جای خود محکوم کنیم و مهم است که سیاست رد مذاکره برای کاهش سلاحهای هسته‌ای و سیاست فاجعه آمیز " تقدم در حمله " از اطراف ایالات متحده گنه دم و دستگاه ناچر نیز پشتیبانان جدی آن می‌باشند افشا گردد. " و اضافه می‌کند: " اتحاد شوروی از طرف دیگر بطور بی‌گردد راه صلح و بهبودی در سیاست بین‌المللی کوشیده است و از سال ۱۹۴۵ تا بحال بیش از یکصد پیشنها صلح و خلع سلاح داده و قول داده است که اولین کشوری نخواهد بود که از سلاحهای هسته‌ای استفاده کند. "

این نامه شوم زمانی نوشته شده که اعتراضات توده‌ای بر علیه سلاحهای نوترونی سرتاسر اروپا را فرا گرفته بود و رئیس‌جمهور کلازتر مجبور شد در مورد تولید و توسعه آنها کوتاه بیاید و لسی روشن است که در شیوه تفکر ناتو که بوسیله هیچ مشخص شده است تغییری حاصل نشده است. سازمان جوانان کمونیست لندن می‌نویسد: " ناتو ادعا می‌کند که سلاحهای هسته‌ای پیش مانعی است در برابر تهدیدات شوروی و لسی واقعیت اینست که ناتو بر این نقشه است که حمله اول را شروع کرده و متعاقب آن جنگ هسته‌ای محدودی را در اروپا از پیش ببرد در حالی که آمریکا بدون آسیب باقی بماند. " خود هیچ در این نامه می‌گوید: " یکی از فضیلت‌ها در برنامه‌های تسلیحات هسته‌ای ما این است که تحت شرایطی که امکان بروز خواهد بود ممکن است ما مجبور باشیم در استفاده از

بخاطر صلح، در راه زندگی، علیه جنگ هسته‌ای

نگرانی امام بجااست

بنده از صحنه ۱

انقلاب در خطر است، زیرا مسلمانان مبارز انقلابی و دولتمردان صادق پیرو خط امام با ممانعت در مقابل نیروهای راستگرا، به این عناصر امان دادند بمنظور جلوگیری از تحولات بنیادین مسلمانان مبارز را به صحنه "بحسب" درباره تحقق اهداف انقلاب بگسارند!

برای پیروزی در نبرد انقلابی باید راه را به روشنی نشان داد و آن را ایگیرانه دنبال کرد

اما تجربه روزمره انقلاب می‌آموزد، که تنها وسیله برای پیروزی در نبرد انقلابی داشتن یک برنامه روشن استراتژیک و تاکتیکی است. بدون یک چنین برنامه روشن و صریحی، که قادر باشد تمام نیروی خلق انقلابی را تجهیز کند و برای تحقق اهداف انقلاب به حرکت آورد، پیروزی

انقلابی ما دانستند، که یک مدت سرمایه دار، هر کدام در دهها و صدها خانه را خالی نگه دارند و اجاره خانه را به آسمان برسانند، در حالیکه هزاران خانوار ایرانی سقفی پر روی سر خود نداشته باشند و در کنار حیابان شب را به صبح برسانند.

بدون شك حل مسئله مسکن در میهن ما یک وظیفه تاریخی و سنگین است، که نیاز به تجهیز تمام امکانات و ذخیره‌های خلق و ایجاد شرایط روشن قانونی دارد. از جمله باید بلافاصله اجاره بها را در سطح نازل و ثابت تثبیت کرد.

اما نیروهای راستگرا و سوداگران بسزرگ خانه‌دار بلافاصله هجوم متقابل خود را علیه این پیشنهاد آیت‌الله موسوی اردبیلی آغاز کردند و یک جنگ صلیبی را علیه آن برافراشتند. زیرا فشار این تبلیغات است، که آیت‌الله موسوی اردبیلی در نماز جمعه ۱۲ فروردین اظهار می‌کند:

"مهم نیست که کسی طرحی برای حل این مشکل اجتماعی (مسئله مسکن) بدهد، بلکه مهم اینست که حتما باید این مسئله حل شود و هر کسی اگر طرح بهتری و اسلامی‌تری دارد بیاورد و آنرا ارائه دهد."

این شیوه ممانعت و تحلل برای براندازی پایه‌های اقتصادی - اجتماعی کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی یکی از موانع بزرگی است، که در برابر گرایش مردمی در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران وجود دارد و به قاطعیت آن لطمه می‌زند.

گرایش مردمی در حاکمیت بجای استفاده از تجارب انقلابات بیروزمند و شکست خورده حلقه‌ها و جنبش‌های آزاد ببحث ضد امپریالیستی، هم‌چنان در حال جستجو است و می‌کوشد که نه فقط در شکل پیاده کردن، بلکه در اصول اساسی هم "راه سوسی" پیدا کند، راهی پیدا کند، که هرگز هیچ کس به آن پی نبرده و در هیچ کشور و جامعه‌ای هرگز نظیر و شبیه آن وجود نداشته است. اما درست این شیوه به تشدید بی‌برنامگی و سردرگمی برای یافتن راهی که انقلاب ما باید طی کند کمک کرده و انقلاب را به عمیق‌ترین و خطرناکترین بحران کشانده است.

باید، همانطور که در اسناد حزب توده ایران حاضر نشان می‌تواند، با تجهیز و بسیج و به صحنه فراخواندن مردم اینارگر، تحسنت رهبری امام خمینی، باید با تنها اهرم نیرومندی که در اختیار انقلاب است، یعنی اهرم قدرت امام و خلق، خلق و امام، بیشتر کشانده شدن انقلاب در سراسر سقوط و نشست جلوگیری کرد.

اگر انقلاب نتواند با این وسیله خود را از شکست نجات دهد، آنگاه راستگرایان خواهند توانست به شك دستک‌های جاسوسی امپریالیستی حتی برای مسلمانان مبارز هم بپروندند و جاسوسی سازند و انقلاب را به شکست کامل برسانند!

ممن نخواهد بود.

پیشنهاد آیت‌الله موسوی اردبیلی بسیاری تاملین مسکن زحمتگشان نمونه آموزند های از این درس نبرد طبقاتی است. آیت‌الله موسوی اردبیلی سه هفته پیش پیشنهاد خود را مبنی بر:

"تا زمانی که مشکل مسکن حل نشد و همچنین بحرانی وجود دارد پیشنهاد می‌کنم مجلس شورای اسلامی تصویب کند که هیچ کس حق ندارد پیش از یک مسکن معمولی در سطح شهرها داشته باشد. و با این تصویب می‌توان مسکن را از صورت کالای تجاری بیرون برد تا دیگر مورد تاخت و تاز سوداگران نباشد. اگر کسی در این ضرورت تردید دارد لحظه‌ای در محاکمی که حکم تخلیه می‌دهند حاضر شود و صفوف طولانی ستا‌عجربین را که با چشم گریان پیش قاضی التماس می‌کنند ببیند، سپس داوری کند." اعلام کرد. دولتمردان متعدد دی با اعلام پشتیبانی خود از این پیشنهاد، آنرا وسیله برای برطرف ساختن این ننگ جامعه

درود نوروزی به زندانیان توده‌ای

سیا و موساد در ایران نیز تن خواهند داد. از شما مسئولین درجه اول جمهوری اسلامی ایران می‌طلبیم برای خنثی کردن توطئه‌های امپریالیستی و تلاشهای مذمومانه دشمنان انقلاب بزرگ ایران و برای به ثمر رساندن مبارزات مسلمانان مبارز و همه مردم انقلابی میهنمان که برای استقلال ایران و برای تحقق عدالت اجتماعی و برای منافع زحمتکشگان آن می‌میزمند، زندانیان توده‌ای رهبران دستگیرشده حزب توده ایران از جمله نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران را آزاد کنید ما همراه مردم انقلابی و همیشه در صحنه میهنمان مطمئن می‌باشیم که آزادی بیگیرترین منافعان و متحدان انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران نشانه حرکت در راه صواب انقلابی و پرهیز از راه سیا و سقم است.

با این آزادی و برداشتن موانع از سر را فعالیت سیاسی قانونی برای حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و همه مبارزان راستین انقلابی و هواداران صدیق جمهوری اسلامی ایران راه تعمیم انقلاب را باز خواهید ساخت. - زند بهاد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران - زند بهاد احترام گذارندگان به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - مرگ بر ارتجاع داخلی و خارجی - مرگ بر امپریالیسم و در اس آن امپریالیسم آمریکا

سبب شدن از هواداران حزب توده ایران، هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و دیگر دوستداران راستین جمهوری اسلامی ایران، که داشت پنجمین نوروز انقلاب را در لندن با خواندن شعر "در آزمون آتش" آغاز کردند.

در این گروه هم آتی به پرسش‌های زیادی که از طرف حاضرین درباره رویدادهای اخیر ایران عنوان شده بودند پاسخ داده شد. پرسشها عمدتاً پیرامون بازداشت غیر قانونی جمعی از رهبران و اعضا حزب توده ایران بود.

طی این مراسم بیانیه‌ای تدوین شد و به تصویب حاضران رسید. متن آن چنین است:

"ما شرکت‌کنندگان در گروه هم آتی لندن برای بزرگداشت پنجمین سالگرد جمهوری اسلامی ایران در پنجمین نوروز انقلابی همراه با مردم همیشه در صحنه میهنمان که تجربه دو کودتای ارتجاعی و امپریالیستی انگلیسی و آمریکائی پدر و پسر پهلوی را در تاریخ گذشته نزدیکان پشت سر داریم با ترفند های براندازی انقلابی و جنبشها آشنائی ملموس داشته و عواقب تلخ و دهشتناک آنها را دیده‌ایم و دهها سال دیده و چشیده‌ایم، در این هنگام که توطئه‌های عظیم و محیلا نه امپریالیسم مقدم به همه امپریالیسم آمریکا در کار است و کلان سرمایه داران و بزرگان مالکان سرمایه داری لیبرال و مرتجعین در تلاش مذبوهانه خود علیه انقلاب ایران و مردم زحمتکش شهر و روستای میهن ما حتی برای براندازی جمهوری اسلامی ایران به کودتای

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

درکمند "کمک" امپریالیستی

رشد بدست می‌آورند حدود دوازده میلیارد دلار بیشتر از سرمایه گذارشان در این کشورهاست. در همین زمان دیون کشورهای در حال توسعه سر به ارقام نجومی زدوایک حدود ۶۰۰ میلیارد دلار برآورد میشود این امر وابستگی آنها را به کشورهای امپریالیستی بازهم بیشتر کرده است.

در تحقق این سیاست غارتگرانه، ایالات متحد آمریکا نقش اصلی را ایفا کرده است. این کشور است که در صندوق بین المللی پول سیاست مالی را معین میکند که در زمانهای اخیر پرداخت قرض را تابع شرایطی گاه بسیار تحقیرآمیز کرده است؛ از جمله تأمین شرایط لازم برای رشد سرمایه های خصوصی، کاهش ارزش پولی داخلی، کم کردن هزینه های مربوط به بهداشت و درمان و آموزش و تأمین اجتماعی و غیره.

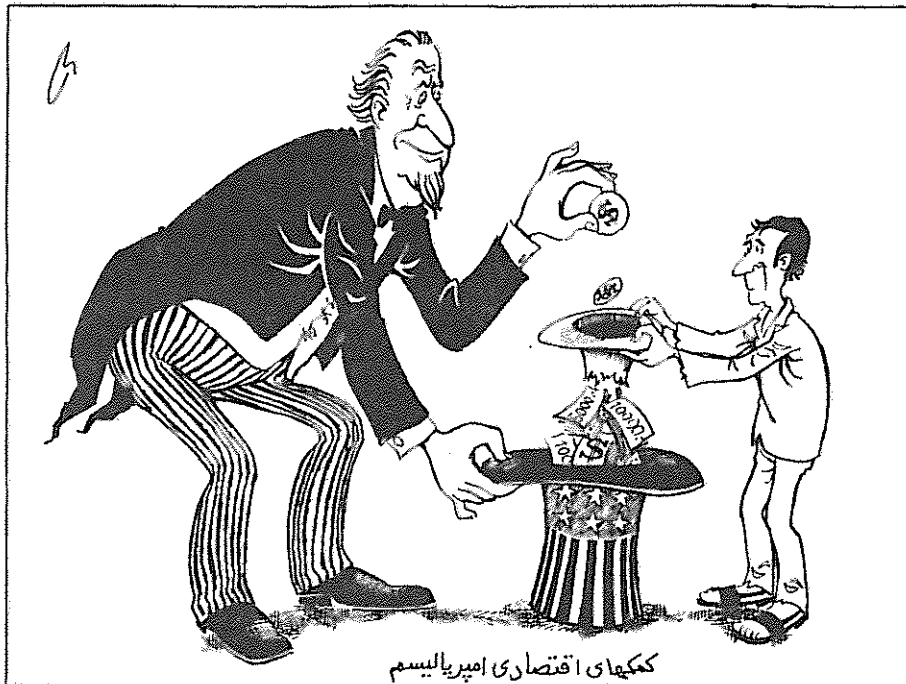
اخیراً ایالات متحده آمریکا این کارهای خود را در حال رشد را نیز مورد سوء استفاده قرار می دهد که در آنها میلیونها انسان از کمبود مواد غذایی رنج میبرند و چه بسا از گرسنگی میمیرند.

عنوان چیزی شبیه جایزه بخاطر " رفتار خوب " داد میشود. در چنین صورتی طبیعی است اگر کشوری مانند نیگاراگوئه نه تنها هیچگونه کمکی دریافت نکنند بلکه آمریکا با تمام قوا بکوشد در اقتصادش خرابکاری نماید و در عین حال کمکهای فراوانی در اختیار رژیم های لسا لودور و شیلی قرار دهد. فقط باید پرسید پس آن لفاظیها در مورد دلسوزی برای سرنوشت خلقهای کشورهای در حال رشد و احساسات نژاد و ستانه که منادیان " کمک " امپریالیستی پیوسته از آن دم میزنند چه شد؟ چندی پیش روزنامه " واشینگتن پست " فاش کرد که در یکی از گزارشهای دستگاه اداری ریگان آمده است " کمک به منظور تأمین منافع استراتژی جنگی آمریکا پسر کمک به منظور توسعه اقتصادی ترجیح دارد ". این

کارشناسان اقتصادی و سیاسی در غرب هم - چنان در شیور افسانه " تأثیر مطلوب کمک های کشورهای سرمایه داری و مؤسسات مالی بین المللی آنها بر اقتصاد و پیشرفت اجتماعی در کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین میدانند اما واقعیت اینست که کشورهای در حال توسعه با کمبودهای شدید مالی در تأمین سرمایه گذاری برای توسعه اقتصادی روبرو هستند و ظرفیت علمی - فنی آنها نیز به هیچوجه کافی نیست. باین جهت این کشورها در راه دشوار کسب استقلال واقعی و پیشرفت اجتماعی همچنان نیاز به پشتیبانی دارند. کشورهای امپریالیستی از این مشکلات سوء استفاده می کنند تا خود را بعنوان " خیر " هائی جا بزنند که گویا با انگیزه های نیکوستانه به نیازمندان کمک می نمایند. ولی واقعیات نشان می دهد که " کمک " امپریالیستی یکی از روشهای تحقق سیاست نو - استعماری است که توسط آن کوشش میشود کشور های در حال رشد، سفت و سخت درکمند نظام تولیدی سرمایه داری گرفتار آیند و جهت گیری ضد - امپریالیستی در روند های اقتصادی - اجتماعی و سیاسی این کشورها کند گردد. کنفرانس کشور های غیر متعهد که اخیراً در دهلی نو پایان یافت نشان داد که کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین زیر ضربات بحران اقتصادی قرار گرفتند و " کمک " های کشورهای سرمایه داری نه تنها کمکی به رفع عواقب بحران نمی کند بلکه آنها را عمیق تر هم مینماید.

اهداف اصلی " کمک " امپریالیستی را، مستقل از تنوع اشکال و روشهای اعطای آنها میتوان بطور زیر مورد بررسی قرار داد:

یکی از اساسی ترین آماج های آن را باید به تثبیت رژیم های وابسته و طرفدار امپریالیسم دانست. دستگاه اداری ریگان بهنگام دادن " کمک " بطور عمده منافع نظامی - سیاسی خود را در مد نظر قرار میدهد. همزمان با افزایش قابل ملاحظه کمک های نظامی، کمک اقتصادی هم پیوند نزدیک با اهداف نظامی - سیاسی داشته و در اختیار کشورهای مورد نظر قرار میگیرد. در اینجا انتخاب کشورهایی که باید به آنها کمک شود با دقت زیاد انجام میگیرد. بیشتر و در درجه اول به آن رژیم های " کمک " میشود که ثبات اقتصادی و سیاسی آنها برای تحقق برنامه های استراتژیک نظامی و زاریت جنگ آمریکا لازم بنظر میرسد. اکثراً " کمک " اقتصاد به کشورهایی داده میشود که موافقت کنند در سرزمینشان پایگاه های نظامی و یا محل انبار کردن و مستقر نمودن جنگ افزارهای آمریکائی ایجاد گردد. نمونه های سوئالی، کره جنوبی، لسا لودور، هند و روس و شیلی ثابت می کند که ایالات متحده آمریکا " کمک " را به افزایش در راستای پیاده کردن آماجهای سیاست خارجی خود تبدیل نموده است. بهنگام تصمیم گیری برای دادن کمک شرط عمده آنست که دولت یا دولتهای مورد نظر برای تحقق سیاست خارجی آمریکا مفید باشند. " کمک " به -



کمکهای اقتصادی امپریالیسم

آمریکا ارسال مواد غذایی به این کشورها را بسه وسیلهای برای شانناژ و فشار مبدل ساخته است. در شرایط کمبود شدید خواربار در کشورهای جهان سوم در آمریکا دیگر صحبت از این نیست که آیا از مواد غذایی میتوان بعنوان جنگ افزار استفاده کرد یا نه، بلکه بحث، سراینست کسه چگونه از این سلاح برای وارد آوردن فشار بر آن کشورهایی استفاده کرد که دست به انجام دگرگونی نهای متری زدند. و از اینراه منافع غارتگرانه امپریالیسم بین المللی را به خطر انداختند.

کشورهای سوسیالیستی از تلاشهای کشورهای در حال رشد برای بازسازی مناسبات اقتصادی بین المللی بر پایه عدالت و لغو شرایط اسارت آور " کمک " های غرب امپریالیستی گاملا پشتیبانی نمی کنند و از جانب خود میکوشند برپایه اصول برابری و همکاری سود مند متقابل اقتصاد و کمک بی شائبه، برای غلبه بر عقب ماندگی اقتصادی سهم خویش را ادا نمایند.

جا دیگر هیچگونه تفسیری لازم نیست. دو مین انگیزه اصلی اعطای " کمک "، منافع اقتصادی جهانی کشورهای رشد یافته سرمایه داری است که حفظ تقسیم کار نو استعماری میان آنها و کشورهای در حال رشد را در نظر دارد. آن " معجزه اقتصادی " که در تبلیغات غرب گفته می شود بر اثر " کمک " های کشورهای سرمایه داری در کشورهای در حال رشد بوجود خواهد آمد عملاً منجر به ژرفش باز هم بیشتر برنگاه میان توسعه اقتصادی در غرب امپریالیستی و کشورهای در حال رشد گردید. سیاست حمایت از بازار داخلی در کشورهای سرمایه داری، بکار انداختن " قیچی قیمت ها " در مورد مواد خام و کالا های سنتی و بالا بردن مصنوعی نرخ بهره منجر به واکنش زنجیری شد و وضع اقتصادی کشورهای در حال رشد را بشدت خراب کرد. موافق آمار های بسیاری سازمان های بین المللی، سود هائی که کشورهای سرمایه داری و انحصارات چند ملیتی از کشورها در حال

مرگ بر امپریالیسم جهانخوار آمریکا، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان

کاربرد اصطلاح قدرتهای بزرگ بجای امپریالیسم ...

بسه از صفحه ۱

نی می توان تصور کرد ، که شخصیتی که خود هدف ترور این عوامل قرار گرفته است ، از وجود آنها نفوذ و نفوذ آنها در نهادها و ارگانها بی خبر باشد . علت هر چه است این فراموشکاری می تواند فاجعه های بزرگتری را بیاورند .

اکنون این سؤال به جا مطرح است ، که چرا توصیه امام ، شهید بهشتی و دیگران فراموشی می شود و شعار "مرگ بر آمریکا" و حتی واژه "امپریالیسم آمریکا" هم بکار برده نمی شود ؟ چرا به واژه "ابر قدرتها" و "دولتهای بزرگ" دل بسته می شود ؟

واقعاً چرا دوست و دشمن به یک چوب راننده می شوند و خطر دشمن و خطر آن نفوذ واقعیش که خلق آنرا دهها سال روی گوشت و پوست خود احساس کرده است و شهادت هزاران ایرانی و از جمله ۷۲ تن از یاران امام آثار داغهای این نفوذ و توطئه هستند به فراموشی سپرده می شود و لوٹ می گردد ؟ چرا نام دشمن که بنابه ماهیت جنایت کارانه اش همانطور که امام خمینی فرمودند تا ۵۰ سال دیگر هم با ما سر جنگ دارد ، به کار برده نمی شود و در عرض صحبت از قدرتهای بزرگ "است؟

حاصلی که می توان ، از جمله از این سخنان حجت الاسلام خامنه ای ، صرف نظر از خواسته یا ناخواسته ، آگاهانه یا ناآگاهانه بودن آن بدست آورد ، این است که فرق دوست و دشمن در انتظار و افکار از بین برود و خلق در شناخت دوست و دشمن دچار سرگیجه شود . نتیجه این شیوه آن است که دشمن از زیر ضربه خارج میشود ، منسی میشود و نجات می یابد و دست دوست برای کمک به انقلاب بسته می شود . این همان چیزی است که دشمن خلق ما ، امپریالیسم آمریکا می طلبد ، و این همان است ، که دشمنان هنوز شناخته نشده برای اجرائش می گویند . شیوه ای که می تواند هم دید روشن دولت مردان درجه اول کشور را ، حتی آنهایی که خود هدف ترور عوامل دشمن واقع شده اند ، تار کند و هم به طریق اولی توده های میلیونی را به گمراهی بکشاند .

وقتی فرق واقعاً موجود بین دوستان و دشمنان انقلاب زده زده گردید و از انتظار دور نگه داشته شد ، وقتی نام آمریکا به اندازه کافی "منسی" شد و بجای آن واژه "قدرت بزرگ" ، "ابر قدرتها" "قدرت خارجی" و غیره آمد ، آنوقت آنها که مترصد فرصت بودند و هستند تا با همان کلامی به جنگ دوست بروند ، که در حقیقت با آن میبایستی بسه جنگ دشمن می رفتند ، آنوقت می توان نگرانی روزافزون دوستان انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ما را در باره سرنوشت انقلاب و دستاوردهای آن "دخالت در امور داخلی ایران" قلمداد کرد و آنرا زیر ضربه گرفت و علیه آنها کلامی را بکار برد ، که میبایستی علیه دشمن امپریالیستی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بکار برده می شد .

این نکته درستی است که انقلاب ما یکی از عمده ترین اهداف تأمین استقلال واقعی و همه جانبه میهن ما بوده و هست . یعنی انقلاب میبایست نفوذ دشمنان امپریالیستی انقلاب ما را ، که

پشتیبانان رژیم محمد رضا شاه بودند و بکمک آن رژیم منابع و ثروتهای ایران را غارت میکردند ، خلق ما را به بند کشیده بودند ، قاطعانه و برای همیشه قطع سازد . انقلاب میبایست منافع کامل خلق ، زحمتکشان شهر و روستا ، کسبه جز ، زنان و مردان میهن دوست را از دستبرد امپریالیسم و دست نشاندگان داخلی آن حفظ کند و شرایط غارت این منافع را از بین ببرد .

آیا واقعا چنین شده است ؟ آیا این غارت بی بند و بار خلق پایان یافته است ؟ و یا فقط غارت کنندگان در باری جای خود را به تروریستهای اقتصادی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان ریشو و تسبیح به دست داده اند ؟ آیا انقلاب توانسته است شرایط این غارت بی بند و بار را با اصلاحات انقلابی به نفع خلق ، از بین ببرد ؟

متأسفانه باید به همه این سؤوالها پاسخ منفی داد ! متأسفانه باید اذعان کرد که عملاً فریاد استقلال طلبی را بوسیله غارت جدید تبدیل کرده اند . و درست کردن کلفت ترین غارتگران خلق و تروریستهای اقتصادی به بزرگترین سواستفاده جیها از شعار "نه شرقی و نه غربی" تبدیل شده اند .

در جهان امروز که دو سیستم جهانشمول اقتصاد اجتماعی در مقابل هم قرار دارند و به یک مصاد تاریخی مشغولند ، استقلال طلبی واقعی ، یعنی نبرد صریح ، روشن و قاطع با امپریالیسم سرکردگی امپریالیسم آمریکا . البته امپریالیستها استقلال را این چنین نمی فهمند . آنها برای آنگونه فریادها "استقلال طلبی" کف می زنند ، که علیه کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی باشد . بدیهی است که آنها چنین "استقلال طلبی" را از متحدان درجه اول خود انتظار ندارند .

امپریالیستها این فریاد "استقلال طلبی" را از آنهایی انتظار دارند که درگیر نبرد علیسه امپریالیسم هستند ! برای جمهوری اسلامی ایران و کشورهای مشابه آن است که امپریالیسم یک چنین "استقلال طلبی" را توصیه می کند ، همان طور که در نامه برزیلنکی به ونس طلب کرد ! فقط با تکیه بر اینگونه "استقلال طلبی" است که میتوان نگرانی دوستان و حامیان انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما را از سرنوشت انقلاب "دخالت در امور داخلی" ایران قلمداد کرد و گفت "هیچ قدرتی ، هیچ همسایه و غیره همسایه ای حق ندارد در امور داخلی ما دخالت کند ."

فقط با چنین زمینه جینی میتوان دوستان و حامیان انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما را در جهان ، که کشورهای سوسیالیستی ، کمونیستها ، نیروهای دمکرات و ضد امپریالیست و جنبشهای آزاد بیخشانند ، به عنوان "دخالت در امور داخلی ایران" مورد اتهام قرار داد . آنها ابراز نگرانی می کنند ، زیرا می بینند که نه فقط نبرد علیه امپریالیسم و پایه های اقتصادی - اجتماعی آن در ایران که همان کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و تروریستهای اقتصادی هستند ، به بن بست رسیده

است ، نه فقط اصلاحات انقلابی ، که باید ثمره یک انقلاب پیروزمند باشد ، انجام نمی شود ، نه فقط قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اجرا نمی شود و حقوق و آزادیهای قانونی پایمال می گردد ، بلکه می بینند کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و حامیان آنها هر روز مواضع بیشتر و محکمتری را در حاکمیت بدست می آورند ، که از جمله با "پیشنویس قانون کار" حلقه بندی به گردن طبقه کارگر انقلابی می افکنند ، که بزرگ زمین داران که اصلاحات ارضی انقلابی را عقیم گذاشته اند حتی می کوشند زمین های محدود تقسیم شده را باز پس بگیرند ، که تروریستهای اقتصادی هر روز فربه و فربه تر میشوند و خلق بی خانمانتر و بی خانمانتر میشود ، آری وقتی هواداران انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما در جهان هر روز با نمونه های بیشتری از قانون شکنی و مخالفت با قانون اساسی توسط نیروهای راستگرا و حجتیه ای آشنا میشوند ، با نقض حقوق و آزادیهای مصرحه در قانون اساسی روبرو میشوند ، نسبت به اوضاع ایران و دستاوردهای انقلاب نگران تر میشوند و این نگرانی خود را ابراز میدارند . وقتی آنها می بینند ، که اکنون مدافعان انقلاب ، مدافعان خط ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب ، مدافعان مسلمانان مبارز بزدان افکنده می شوند و مورد اتهامات "سیا" و "ساواک" ساخته قرار می گیرند ، وقتی آنها می بینند که رفیق نورالدین کیانوری طراح و سازمانده سیاست علی حزب توده ایران در دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران برهبری امام خمینی ، و یاران دیگرش به زندان افکنده می شوند و دست دشمنان انقلاب و ناراضی ترشان و غارتگران بازتر گذاشته میشود ، حق دارند ابراز نگرانی کنند ، زیرا انقلاب ایران ، که آمده بود برای میهن ما استقلال واقعی را تأمین کند ، به خلق آزادی و عدالت اجتماعی را ارزانی کند ، حلقه ای از زنجیر نبرد جهانی ضد امپریالیستی خلقهای جهان بود و هست . حلقه ای پرتوان و پرشور در زنجیر نبرد جهانی ضد امپریالیستی ، کردانی نیرومند در لشکر جهانی نبرد ضد امپریالیستی ، در کنار کشورهای سوسیالیستی ، جنبشهای آزاد بیخشان ضد امپریالیست و نیروهای مترقی کشورهای سرمایه داری در نبرد جهانی علیه اردوگاه امپریالیسم ، ارتجاع و دشمن بشریت .

از این رو سرنوشت این انقلاب ، پیروزی یا شکست آن فقط به مردم میهن ما مربوط نمیشود . ایسن واقعیتی است که مسلمانان مبارز و بویژه امام خمینی رهبرانقلاب بارها آنرا ابراز کرده اند . از این روست ، که هیچکس در مقابل تاریخ و انقلاب ما حق ندارد "استقلال طلبی" را به معنی ستیز با دوستان انقلاب اعلام کند . کسانی که بکوشند نگرانی دوستان انقلاب را چه در همسایگی و چه در غیر همسایگی میهن ما ، "دخالت در امور داخلی ایران" اعلام کنند ، در مقابل تاریخ پاسخگو خواهند بود . به گفته یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی : این راه به عربستان و پاکستان خواهد رفت !

پیرامون بودجه سال ۱۳۶۲

در دو هفته آخر سال گذشته، مجلس شورای اسلامی شاهد بحث پیرامون کلیات بودجه کسل کشور در سال ۱۳۶۲ بود. در طی این مباحثات جوانب گوناگونی، اعم از ساختار، جهت گیری و ترکیب و همچنین عملکرد این بودجه و عواقب کوتاه مدت و بلند مدت آن مورد بررسی نمایندگان قرار گرفت. بنا بر گفته آقای تقی بانکی، وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه در آمد های پیش بینی شده مجموعاً ۲۰۵۳/۶ میلیارد ریال است که عمدتاً منبغ تامین آن ارز حاصل از نفت میباشد که بالغ بر ۱۹۹۰ میلیارد ریال (متجاوز از ۸۰٪) میشود. همچنین باید توجه داشت کسری بودجه بالغ بر ۳۲۷ میلیارد ریال میباشد. نکته دیگر اینکه بحث های فوق الذکر مصادف با برگزاری کنفرانس اخیر اوپک در لندن، که در نتیجه آن قیمت پایه ای نفت از ۲۴ دلار به ۲۹ دلار کاهش یافت، صورت میگرفت.

برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی بهنگام مخالفت با لایحه بودجه مسائلی را مطرح نمودند که درخور توجه است. از جمله آقای مجید انصاری گفت: "مخالفت من يك مخالفت صوری نیست، من جدا با این بودجه مخالف هستم و برای رفع نواقصی که در این لایحه سراغ دارم پیشنهادات عملی وجود دارد که اگر این لایحه به تصویب نرسد میتوان آنها را بکار بست" وی از جمله چنین اظهار داشت: "در این بودجه رشد منحنی های منفی به سمت مثبت متاسفانه کمتر چشم می خورد، و در بعضی موارد اصلاح چشم نمی خورد. یکی از شاخص های مثبت این است که بین هزینه های جاری و عمرانی تعادل محقولی وجود داشته باشد. از شاخص های دیگر اینست که اجرای این بودجه موجب گسترش عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه امکانات و رشد درآمد مستضعفین باشد. و شاخص دیگر اینکه جهت بودجه به سمت تولیدی کردن جامعه باشد."

بنابراین باید بررسی کرد که آیا این شاخص ها در بودجه وجود دارد یا خیر؟

در مورد عدم اتکا به نفت، متاسفانه نمتنها در این بودجه پیش بینی های لازم نشده بلکه هرچه جلوتر میرویم درصد وابستگی ما به نفت بیشتر میشود. صادرات غیر نفتی در سال گذشته کمتر از ۴٪ کل صادرات بوده که نسبت به سالهای قبل افزایش کمی دارد. البته یک سری درآمد های صوری در بودجه گذاشته اند که این وابستگی را می پوشانند. بنابراین هنوز رقم عمده تامین بودجه ما نفت است و مشکلات مدور و فروش و توطئه هایی که در رابطه با بازار نفت علیه ما صورت میگیرد برکسی پوشیده نیست. انحصارات نفتی:

برکسی پوشیده نیست که پس از فروپاشی استعمار کهن، نواستعمار با اتکا به اهرمهای اقتصادی، بمثابة عمده ترین ابزار، سعی در انقیاد ملل از بند رسته می کند، که یکی از اشکال آن تحمیل اقتصاد تک محصولی و همراه با آن قبضه

کردن بازار فروش آن محصول می باشد. انحصارها و در راس آنها انحصارات نفتی برای خفه کردن کسانی که به پیروی از سیاست آنها تن در نمی دهند علاوه بر وسایل مالی، شیوه های سیاسی و تبلیغاتی و حتی تروریستی نیز بکار می برند. تاریخ معاصر همه کشورهای نفت خیز آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین که مشحون از جنایات بیشمار امپریالیسم نفتخوار است، صحت این نظر را بارها به ثبوت رسانده است. امپریالیسم نفتخوار، با وجود غربت که تا کنون به آن وارد آمده، هنوز هم یکی از بزرگترین دشمنان خلقهای کشورهای نفتخیز و عمدتاً ترین پایگاه نواستعمار است.

عرصه تولید و توزیع انرژی یکی از عرصه های است که روند انحصاری در آن عمیقاً ریشه دوانده است. کنسرن های نفت نیرومندترین گروه های انحصاری جهان سرمایه داری را تشکیل میدهند و در میان آنها انحصارهای چند ملیتی نقش عمده را بعهده دارند. این انحصارها شاخه خاصی از امپریالیسم جهانخوار و دارای قدرت مالی و اقتصادی افسانه ای هستند. برای بدست آوردن تصور روشن از گستره عظیم عملکرد این کمپانیها، کافیت یاد آور شویم که انحصارها هفتگانه عضو کارتل بین المللی نفت که به هفت خواهران معروفند، در سال ۱۹۷۲ یعنی در اوج فعالیتشان، بیش از ۴۵۰ میلیون هکتار اراضی در سراسر جهان سرمایه داری را در اشغال خود داشتند و یا در سال ۱۹۷۷، حدود ۸۰ درصد بازرگانی جهانی نفت را تحت نظارت مستقیم خود داشتند.

در سال ۱۹۷۸، کل فروش هفت گنپانی عضو کارتل بین المللی نفت به ۲۴۳ میلیارد دلار بالغ شد، که از آن میان سهم ۵ کمپانی آمریکایی به ۱۶۵ میلیارد دلار رسید. در همان سال پنج کمپانی آمریکایی با ۹ میلیارد دلار سرمایه گذاری، بیش از ۶ میلیارد دلار سود خالص بدست آوردند.

استفاده از نفت های انبار شده و نیز نفت تولید شده در کشورهای غیر اوپک (آمریکا، مکزیک، نفت دریای شمال در انگلیس و نروژ) برای کاهش خرید از اوپک بمثابة اهرم فشار نیز از دیگر مسایل می باشد. در همین رابطه کافی است یاد آور شویم که در سال ۱۹۷۷ برخی از انحصارها، خرید نفت خام را از کشورهای اوپک کاهش دادند و بدینسان میزان خرید آنها از ۷۸٪ به ۶۸٪ رسید.

پس از این اشارات مختصر، باید گفت که اتکا به نفت، نمی تواند "انقلاب کوخ نشینان علیه کاخ نشینان" را به پیروزی برساند. مسئله محوری اینست که امپریالیسم با استفاده از تمام امکانات مالی و اقتصادی و نظامی خویش میخواهد این انقلاب را از ریشه براندازد. امپریالیسم با بند کردن دست ایران در جنگ ایران و عراق و پشتیبانی از راستگرایان، اخلی و اقدامات

اخیر آنان قدم به قدم در حال اجرای سیاست استراتژیکی خویش، یعنی مسخ و براندازی انقلاب ضد امپریالیستی و سرمد می میهن ما میباشد. فشار اقتصادی با بکارگیری اهرم نفت جزء دیگر این سیاست است. این فشار، بد و نپرد هوشی، از سوی کارتل های بین المللی نفت و وابستگان امپریالیسم در درون اوپک به ایران اعمال میشود. روزنامه تایمز مالی، ارگان انحصار مالی، که در تدوین سیاست و ارائه رهنمود به سیاستمداران امپریالیستی دارای سابقه طولانی است، پس از سقوط قیمت پایه ای نفت در کنفرانس اخیر اوپک با ابراز شادمانی طی مقاله ای تحت عنوان "ایران باید بناچار از قوانین تبعیبت کند"، تلویحاً به افشای نقشه های آتسی امپریالیسم برای میهن انقلابی ما می پردازد. این روزنامه پس از اشاره به اینکه جنگ تحمیلی طولانی و فرسایشی عراق علیه ایران اندوخته های ارزی ایران را بلعیده است، به تجزیه و تحلیل پیرامون لایحه بودجه پرداخته و متذکر میشود که ۶۲٪ بودجه ۱۳۶۲ به درآمد حاصله از فروش نفت مربوط است که با احتساب صادرات تقریبی ۲/۴ میلیون بشکه در روز با قیمت ثابت ۲۴ دلار تنظیم شده است.

تایمز مالی سپس می افزاید: "بدون بهره گیری از سیستم های احیای مجدد (که نه گاز، نه تکنولوژی و نه تخصص آن بسادگی در ایران موجود است)، حد اکثر تولید ایران نمیتواند بیش از ۳/۵ میلیون بشکه نفت در روز باشد. بنابراین در یک جنگ قیمت ها ایران نمیتواند تولید خود را به آن اندازه که جبران کسری درآمد های بیشتر را بنماید، برساند."

از این آشکارتر نمی توان سیاست جنایتکارانه ای که مجموعه جهان امپریالیستی و ارتجاع منطقه و داخلی و نیز عناصر نفوذی در ارگانهای حکومتی، طرح ریزی کرده و در حال اجراست، ترسیم نمود. هدف امپریالیسم روشن است: گسترش جنگ از طریق تجهیز عراق و از سوی دیگر تلاش برای حاکم کردن خطر راستگرای حجتیه در مورد جنگ که فتح جهان از طریق گریلا را "وجه همت" خویش قرارداد هاست. این خود باعث وابسته ماندن بودجه کشور به نفت به بهانه اشتغال ایران در جنگ با عراق است و از سوی دیگر ایجاد مانع در بازارهای جهانی نفت در برابر ایران برای دستیابی به منابع مالی حاصله از فروش نفت که قرار است در آتشر همان جنگ بسوزد و خاکستر شود. اینهاست ابزارری که امپریالیسم بد انوسیله در حال اجرای سیاست های خود که ایجاد نارضایتی در میان اقشار وسیع جامعه و همچنین تقویت مواضع بزرگ مالکسی و بزرگ سرمایه داری در ایران است، می باشد.

هشدار که این سیاست در حال اجرا است!

"الگوسازی" یا "راه سوم" کوره راه است!

در مقاله ای مفصل تحت عنوان "در تهیه پیش نویس قانون کار، به عمیق و گسترده فقه اعتنا نشده است"، که بیش از یک صفحه روزنامه اطلاعات (۲۵ اسفند ۶۱) را در بر می گیرد، آقای محمد جواد حجتی کرمانی در جریان برخورد چشمگیر انتقادی به پیش نویس قانون کار توکلی و شرکا، مسئله عدم دسترسی "به راه حلی" برای تحقق خواسته های انقلاب را از دید خود مطرح می سازد.

ما در اینجا برای اطلاع خوانندگان "راه توده" به طرح بخشی از نظریات نویسنده مقاله میگردیم و نظر انتقادی خود را نیز در خاتمه ارائه می دهیم.

در مرکز مسائل مطرح شده، این فکر قرار دارد، که باید از "گردن افزاختن" و "مکبرانه از خود و فرآورده های فکری خود سخن گفتن"، دهری جست، که این خود بزرگ بینی و خود محور بینی و چشم بستن و گوش گرفتن بر آنچه "شرق و غرب و دانشمندان غیر مسلمان (و حتی مسلمان)" گفته اند، "قفران نعمت" است که "خدای جهان (که فقط خدای تونیبست)" از این قفران نخواهد گذشت.

آقای حجتی کرمانی معتقد است که "پیش نویس جنجالی" قانون کار با یک چنین روحیه ای نوشته شده است و در مورد تنظیم کنندگان پیش نویس می نویسد: "نویسندگان محترم پیش نویس به جامعه و اقتصاد و مسائل عظیم کار و ناگرگی و روابط بسیار پیچیده و فنی و علمی کار و ناگرگی در دنیای ماشین و تکنیک و صنعت و پیشرفت علوم و فنون و نظریات و عقاید و آراء و خلاصه بحلوم نظری و علمی ۰۰۰، که محصول سالیان دراز زحمت و مزارت و تلاش و پیگیری و تجربه و آزمایش ۰۰۰ و ۰۰۰ جهان بشری است (که) در دنیای امروزی علم بشر مطمح نظر صاحب نظران جهان و مسلمان و غیر مسلمان است، بی اعتنا مانده و ایضا را نیز به پیچوجه به حساب نیارده اند."

نویسنده مقاله دلیل این قفران نعمت را تلویحا "در شیوه ای می داند، که سازمان حجتیه به مسلمانان تحمیل کرده بود، شیوه ای که موجب شده بود، که "خود را نثار کنی شده بودیم" و "نه از سیاست خبر داشتیم و نه از اقتصاد و نه از مسائل جهانی و نه و نه و نه" (می گفتیم که) خدا هم وعده داده، که پیروزی نهائی را برساند و امام زمان (عج) میاید و همه کارها را درست می کند؟ "سپس نویسنده سوال می کند "مگر جز این بود؟"

وی پس از بر شمردن پیروزی انقلاب از آن صحبت می کند که "اندون ما در برابر آزمایش بزرگ دیگری هستیم و آن نگهداری از این هدیه گرانبها (انقلاب) و ابلاغ پیام آن به مردم جهان است." وی ادامه می دهد: "به این منظر باید "الگو" ساخت." وی هشدار می دهد: "که اگر در الگوسازی شکست بخوریم

در صدر انقلاب هم بی شک شکست میخوریم، چون شکست در الگوسازی، یعنی شکست در خود انقلاب" و سوال می کند: "انقلابی که در ذات خود پیروز نشود، چگونه میتواند صادر شود؟"

وی بار دیگر هشدار می دهد: "برادران، بد-انید الگوسازی ما بدون در آمیختن معنویت و مادیات، اخلاق با اقتصاد، سیاست با عرفان ظاهر با باطن، دین با دنیا و شناخت زمین و جهان و انسان (میسر نیست)" وی خاطر نشان می سازد که بدون "اصل قرار دادن معنویت و اخلاق و علم و صداقت و تقوی و وحدت کلمه" به عنوان مبنا و پایه برای "بیه سامان رساندن زندگی مادی مردم و رهانیدن آنان از فقر و جوع و خف و ناامنی و بوجبود آمدن محیطی پر از آبادانی و نعمت و صحت و عافیت و درستی و وفا و صفا و محبت و برادری" نمی توان "مردم را به تبعیت از این الگو فرا خواند".

حجتی کرمانی به علت جدا نبودن پیش نویس قانون کار از بقیه امور، روی سخن را در ادامه سخنانش از احمد توکلی فراتر میبرد و با هشدار دادن به "کل دولت و بالاتر، به مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و دیوانعالی کشور، شورای عالی قضائی و همچنین دست اندرکاران (دیگر) امور" سوال می کند که "برادران عزیز، پس از چهار سال، راه حلی که شما برای حل مشکل مسکن، روابط کارگر و کارفرما، مالکیت صنعتی و کشاورزی، زمینهای مرزوی و اراضی شهری، بیمه و بانک و ربا و روابط تجاری بین المللی ارائه داده اید، چیست؟ این حرف که این خلاف شرع است، آن خلاف شرع است، ۰۰۰ بجای خود ۱۰۰۰ راه حل دیگر چیست؟" وی در ادامه مطلب می نویسد: "اگر مسئله تجارت خارجی رد میشد، اگر مصوبه اراضی مرزوی مخالف شرع تشخیص داده می شود، اگر در لایحه، معادن "ان قلت" وجود دارد، اگر مسئله بیمه زیر سوال قرار میگیرد و اگر پیش نویس قانون کار، با آن که از متن فقه برگرفته میشود، جنجال بیا میکند، و اگر مصادره ها و ضبط اموال در شورای عالی قضائی مورد نظر مجدد قرار میگیرد ۰۰۰ و اگر هیچک از اینها را نمی شود جدای از دیگری نگریست (پس) در کل این نگرش درمی یابیم، که ما در الگوسازی فرو مانده ایم و پس از بحث های طولانی و نقض و ایرادهای مجلس و دولت ۰۰۰ نتوانسته ایم براه حلی برسیم."

وی دلیل این بن بست و قادر نشدن به ارائه "الگو" را "بی اعتنائی و بیبا ندان به همه آنچه در گذر بشریت از تاریخ پرنشیب و فرازش گذشته است"، میداند، و معتقد است که در نتیجه این بی اعتنائی است، "که ما در تشخیص موقعیت جهان و روابط حاکم بر اقتصاد عصر ۰۰۰ دچار یک اشتباه عظیم تاوخی شدیم" و از این طریق، از جمله "موضوع کار و ناگرگی

امروز" (را، که) یک مسئله جهانی (است) و در ارتباط با کل سیاست و صنعت و استعمار (قرار دارد) ۰۰۰ (باید) در ارتباط با موجودیت و تکامل و پیشرفت انقلاب اسلامی ایران در نظر گرفته شود"، آنرا فقط در "کادر محدود کتاب" اجاره "ی فقه" بررسی کنیم و "برای آن حکم شرعی استخراج کنیم".

آقای کرمانی سپس پیش نویس قانون کار را که بجای حل "مشکلات (موجود) کارگری ۰۰۰ پاره ای از مشکلات نسبتا حل شده، مانند بیمه ساعات کار و حداقل دستمزد و امثال آن (را)، که پس از سالیان دراز ملالت و ستم کشیدن و استعمار شدن کارگران در جهان، (بدست آمده) ۰۰۰ هم نمی کند"، بعنوان "واضح ترین دلیل بر نارسائی" این پیش نویس می داند و اظهار تعجب می کند، که "یک قانون که مربوط به کارگران است، بیمه را که در متن قانون کار سابق بوده و در متن واقعی زندگی کارگران (نیز) است، چنین مسئله را بیچ و بدی بیی را خارج از قانون بداند!" به نظر نویسنده "این پدیده خطرناک، یعنی نشناختن موضوع" از آن جهت ممکن است، که بدستاوردهای علم بی اعتنائی شده است و اضافه می کند "ما که می خواهیم در برابر این پدیده جدید، یعنی روابط کار و ناگرگی در جهان (امروز) ۰۰۰ حکم شرعی کنیم، باید بدانیم "کینز" و "ریکاردو" و "اسمیت" و "مارکس" و "لنین" و "مائو" که پیش از ما این موضوع را شناسائی کرده اند، در این زمینه ها چه گفته اند و چه شناختی داشته اند و در کجا مرتکب اشتباه شده اند و راه اسلامی صحیح که بر راههای پیشنهادی این "شرقیان" و "غربیان" برتری دارد چیست؟" وی اضافه می کند: "برتری دارد" یعنی چه؟ و پاسخ می دهد: "یعنی بهتر مشکل را حل کند!" "مشکل" چیست؟ "مشکل فقر است: فقر - های عظیم" فقر "در کنار قله های عظیم ثروت"، مشکل، ثروت بی حساب و کتاب با آورده کارتلها و تراست ها و شرکت های چند ملیتی و وابستگی اقتصادی آنها در سراسر جهان و منجمله در جهان اسلام و منجمله در کشور اسلامی ایران است." وی سپس خاطر نشان می سازد که "ما اگر این مشکل را توانستیم بهتر از آنها حل کنیم، یعنی الگوسازی کنیم، یعنی واقعا حفره های فقر را با تراشیدن سرسختانه، قله های ثروت پر کنیم، یعنی واقعا مردم محروم را از محرومیت برهانیم، یعنی واقعا تفاوت زندگی و امکانات زندگی کارگر و کارفرما را بحد عادلانه و خدا پسندانه و محمد (ص) پسندانه و علمی (ع) پسندانه برسانیم - اگر توانستیم، چنین الگو سازی کنیم، (فقط) آنوقت است که نویسنده گردن گرفتن و بخود بالیدن و به دنیا فخر بیند در صحنه ۱۵

۲۴ آوریل روز یاد بود قتل عام ارامنه در ترکیه

دولتهای امپریالیستی را شریک جرم این جنسایت بزرگ دانستند .
در ۲۹ نوامبر سال ۱۹۲۰ در قسمت شرقی سرزمین کهن ارمنستان انقلاب سوسیالیستی پیروز شد . ملت ارمنستان در طی ۶۳ سال توانست با

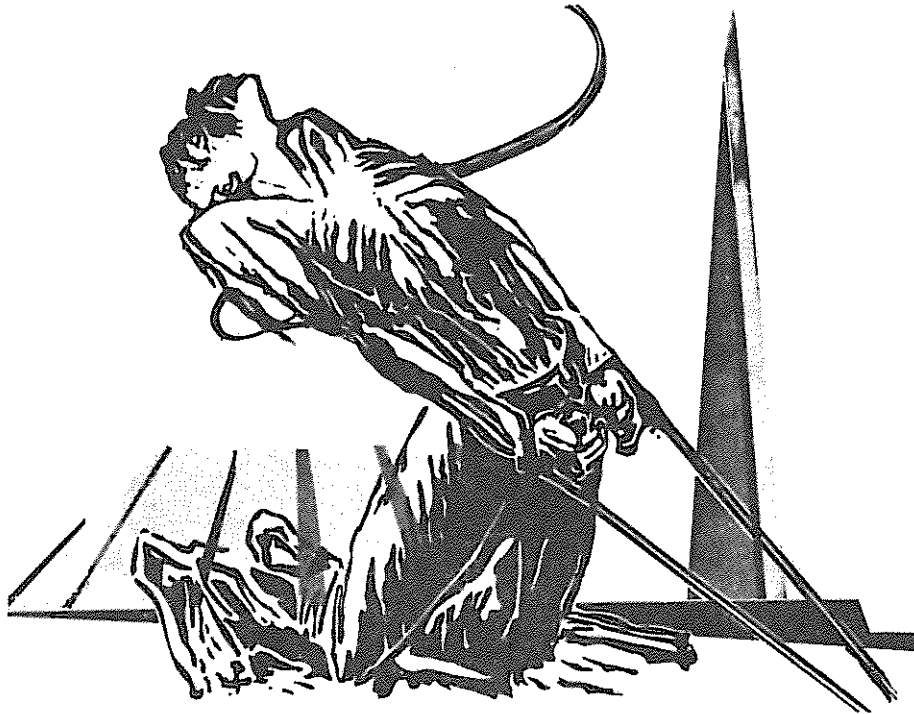
آیا آقای صدر اعظم اطلاع دارند که در طی این جنگ در امپراطوری ترکیه که هم پیمان آنان میباشند صد ها هزار نفر از ارامنه سر به نیست و یا از محل زندگی خود رانده شدند ؟ کارل لیبکنشت کمسک های دولت آلمان را به دولت ترک های عثمانی که

همزمان با نهضت های رهائی بخش ملی خلق های زیر ستم امپراطوری عثمانی ، جنبشهای آزاد بخش ملی ارامنه نیز بر علیه یوغ سنگین ترک های

عثمانی در اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم به اوج خود رسید . مبارزات استقلال طلبانه خلق های بالکان به پیروزی انجامید ولی جنبش آزادی بخش ملی ارامنه ارمنستان غربی به خشن ترسین شکل سرکوب شد . دولت " ترک های جوان " و سران حزب " اتحاد و ترقی " با یک برنامه مخفی و از پیش تنظیم شده تصمیم به قتل عام ارامنه گرفتند . در این قتل عام وحشت انگیز که از سال ۱۹۱۵

آغاز شد بیش از یک و نیم میلیون نفر از جمعیت سه میلیونی ارمنستان غربی به فجیع ترین شکل کشته و نابود شدند . در حدود یک میلیون نفر آواره به کشورهای مجاور سوریه ، لبنان ، ایران ، بلخارستان روسیه و دیگر کشورهای اروپا و آمریکا پناه بردند و ارمنستان غربی از ساکنان بومی خود خالی شد . " ترک های جوان " با کمک های نظامی - اقتصادی - سیاسی دولت های امپریالیستی که بقصد تقسیم مجدد جهان آتش جنگ اول جهانی را بر افروختند و با شرکت مستقیم آلمان اولین قتل عام بزرگ قرن بیستم را به مرحله اجرا در آوردند . تاریخ نمونه های دیگر چنین جنایتی را دیده و ما امروز هم شاهد بسیاری از جنایت های امپریالیسم هستیم .

در آن زمان که هنوز جامعه کشورهای سوسیالیستی بوجود نیامده بود تنها دوستان ملت ارمنی شخصیت های مترقی جهان و قبل از همه کمونیست ها بودند که قتل عام ارامنه را محکوم کرده و سیاستهای استعمارگرانه دولت های امپریالیستی را افشاء نمودند . کارل لیبکنشت از رهبران برجسته جنبش کارگری آلمان در ۱۱ ژانویه ۱۹۱۶ در پارلمان آلمان خطاب به صدر اعظم آلمان می پرسد :



الهام گیری از نیروی خلاق سوسیالیسم و با کمک و همکاری برادرانه دیگر ملت های شوروی به دستاورد های چشم گیری نائل آید . ملت قتل عام دیده دیروز ، امروز دارای یک جمهوری شکوفای سوسیالیستی است .

عامل قتل عام یک و نیم میلیون انسان بی گناه است محکوم می کند . روزا لوزمبورگ ، ماکسیم گورکی ، انا تول فرانس ، فرد هوف ناسین ، رمن رولان و دیگر شخصیت های جهانی در طی نوشته ها و نطقها متعدد خود قتل عام ارامنه را محکوم کرده و

آیا این " انشاء نویسی " نیست ؟

بعد از صفحه ۱۵

مطرح است ، که پس چرا هیئت نمایندگی ایران در هفتمین کنفرانس کشورهای غیر متعهد یک چنین پیشنهادی را مطرح می سازد ، که خود در توضیح ، درباره آن اضافه می کند که " مدت مدیدی طول خواهد کشید تا این پیشنهاد ... جا بیفتد . "

یک علت می تواند این باشد ، که این " پیشنهاد مشخص " بنام ایران ثبت تاریخ شود و اکنون هم به نفع ایران تاثیر " تبلیغاتی " داشته باشد . علت دیگر می تواند این باشد ، که انسان با خوشبینی بسیار زیاد ، به این نتیجه برسد ، که واقعا بتوان فهد ها و صدام ها را " متقاعد " کرد ، که " به نفع " آنها است و " انسانی " و " اسلامی " است ، که ارزش خود را از جنگ امپریالیسم آمریکا خارج سازند و از آن به عنوان " موضعگیری مبارزه " علیه ارساب خود استفاده کنند . به عبارت دیگر با خوشبینی

نداشته باشند ، که امید وارند بتوانند ، پند و اندرز راستگرایان ، ترویجست های اقتصادی ، مدافعان کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران و حتی خود این غارتگران را " رام " کنند و آنها را بر خلاف مناطق طبقاتی خودشان (که آنها را خوشبینانه " دوستان نادان " نامیده اند) به تن دادن و محترم شمردن و تامین منافع زحمتکشان جلب کنند ، آنوقت چنین پیشنهاد های خوش باورانه ای هم در کنفرانس کشورهای غیر متعهد مطرح نمی شدند .

البته از دیدگاه تئوریک یک علت دیگر هم می تواند برای طرح این گونه پیشنهاد ها وجود داشته باشد ، که به نظر ما و یا شناختی که ما از مسلمانان مبارز داریم ، در این مورد مشخص نمی تواند مطرح باشد ! این علت آن است ، که بخوایم به جای اقدام علی و کوشش برای اجرای یک سیاست واقع بینانه با طرح پیشنهاد های خوشبینانه و انقلابی ، ولی غیر علی ، " انشاء نویسی " کرده و به این وسیله توجه زحمتکشان را از مسائل عمده به مسائل غیر عمده جلب کنیم !

زیاده از حد تصور شود ، که می توان با پند و اندرز گرگ خونخوار را به عابد مظلوم تبدیل کرد ، می توان با پند و اندرز و موعظه باعث شد ، که چاقو دست خود را ببرد ! و یا به زبان مسا تود هایها یا پند و اندرز ستیزان را متقاعد سازیم که آنها از منافع طبقاتی خود ، از سود ویژه ای که جایگاه و پایگاه طبقاتی به آنها می رساند ، صرف نظر کنند ! ؟

این خوشبینی کشنده است . اما باید اعتراف کرد ، که در کنفرانس کشورهای غیر متعهد فقط شاخ و برگ این خوشبینی غیر طبقاتی ، این خوشبینی غیر واقع بینانه ، این خوشبینی غیر انقلابی تظاهرها کرده است در حالیکه ریشه های اصلی آن در برداشت گروهی از مسلمانان مبارز و دولت مردان جمهوری اسلامی ایران نفوذ کرده است . اگر در ایران نیروهای صادق خوشبینی وجود

در هفته‌ای که گذشت:

۱۵۰ کیلومتر مربع دیگر از خاک ایران آزاد شد

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران روز یکشنبه گذشته نیروهای مسلح جمهوری اسلا- می ایران مشکل از ارتش، سپاه، بسیج در اولین مرحله از عملیات الفجر، ۱۵۰ کیلومتر مربع دیگر از خاک میهن انقلابییمان را که تحت اشغال متجاوزین صدامی بود، آزاد ساختند .

به گزارش همین خبرگزاری در این عملیات که همچنان ادامه دارد، تا کنون بیش از ۵۰۰۰ نفر از نواب دشمن کشته و مجروح شده اند و ۳۵۰۰ تن به اسارت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در آمده‌اند و تعداد زیادی تانک و خودرو و تجهیزات نظامی متجاوزین منهدم گردیده است .

امروز زمان عمل است فردا دیر است

در هفته گذشته نیز همچون هفته‌های پیشین در سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و موضعگیری‌های مسئولین و شخصیت‌های سیاسی و مذهبی از لزوم " خدمت به مستضعفین " سخن بسیار رفت .

رئیس‌جمهوری اسلامی در ۲۰ فروردین می‌نویسد: " برای انقلابی با نام انقلاب اسلامی و برای نظامی با نام جمهوری اسلامی زشت و ناپسند است که پنج سال از عمرش بگذرد و نتواند در این مدت بر پیکر دیو وحشی بی‌عدالتی ضربهای ثاری وارد کند . "

روزنامه جمهوری اسلامی در آن سرمقاله همچنین می‌نویسد: " چونکنونی میتواند این خطر را داشته باشد که همه برای آنکه خود را همفکر امام قلمداد کنیم در غرقاب شعار دادن ها غرق شویم و سرانجام سال ۶۲ هم پایان برسد و باز هم در خم همین کوچه باقی مانده باشیم . "

یعنی در حالیکه کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و تروریستهای اقتصادی مشغول غارت مردم زحمتکش میهن ما میباشند و بطور مداوم عناصر صدمتی خط امامی را با تهمت و افترا لکه دار می‌کنند تا بترانند آن ها را از پست های حساس برکنار کنند و خود تمام دستگاه‌ها را در دست بگیرند، در حالیکه راستگرایان و خادمین سرمایه ایران را به زندانیان مدافعین انقلاب تبدیل کرده‌اند، مسئولین کشور بجای عمل انقلابی و قاطع بنفع زحمتکشان و محرومان و اجرای تمام و کامل قانون اساسی غرق در شعارها و مصاحبه‌ها شده‌اند و مرتب وعده میدهند که امسال دیگر سال عمل در جهت مستضعفان است .

حضرت آیت الله منتظری در این باره می‌گوید: " باید توجه کنیم کمتر شعار داده شود و بیشتر عمل کنیم نباید احساس شود که مصاحبه‌ها و شعارها از کارهای انجام شده بیشتر است " (اطلاعات ۱۴ فروردین ۶۱)

واقعیت این است که بخش وسیعی از محتوای روزنامه‌های صبح و عصر کشور را تنها مصاحبه‌ها و موضعگیری‌ها و شعارهای مسئولین کشور پر می‌کنند و از عمل انقلابی بنفع زحمتکشان خبری نیست و این رنگ خطری است برای انقلاب که اگر آن " فردایی که آیت الله موسوی اردبیلی گفتند " دیر است " فرا رسد، بجای آنکه مهلت " خدمت به مستضعفین " باشد، دشمنان محرمان و عناصر صدمتی خط امام ضربه نهایی را بر پیکر جمهوری اسلامی ایران وارد سازند .

این همان نگرانی است که ذهن مردم زحمتکش میهن ما و همه نیروهای انقلابی را به خود مشغول ساخته است .

نظام اقتصادی - اجتماعی باید از اساس دگرگون شود

بد نبال سخنان نوروزی امام خمینی در رابطه با ضرورت رسیدگی به وضع " کوخ نشینان " و مقابله با آنچه امام آنرا " خوی کوخ نشینی " نام نهادند، این سخنان امام در معرض تعبیر و تفسیرهای متفاوت قرار گرفته است .

حتی راستگرایان محافظه کار در جمهوری اسلامی ایران نیز، با توجه به جوی که از نقطه نظر سیاسی - تبلیغاتی در جامعه حاکم شده، دم از " خدمت به مستضعفین " می‌زنند و خود را آنقدر هماهنگ با این خواست اساسی مردم و پیروان خط امام نشان می‌دهند که بقول روزنامه کیهان، کلمات " استضعاف " و " مستضعف " و " محرومیت " و " کوخ نشینی " هم به " استضعاف " دچار شده‌اند! سرمقاله کیهان (۱۱ فروردین) می‌نویسد:

" هیچکس نخواهد آمد که بگوید برای نجات مستضعفان، برای از میان بردن محرومیت و با اتصال به اخلاق ارزنده کوخ نشینی و ارد میدان نشده است، و هیچکس نخواهد گفت که درد مردم و محرومین و انقلاب و اسلام و ۰۰۰ را ندارد، ولی وقتی که به صدق می‌رسد و پردها می‌افتد، " معلوم می‌شود که در چه کاریم همه " برآستی نیز هنگامی که " صدق " های اصلاحات ارضی، قانون کار، دولتی کردن بازرگانی خارجی و ۰۰۰ مطرح می‌شود، عیان می‌گردد که یکی " در کار " خدمت واقعی به محرومین و دیگری " در کار " دفاع از کلان سرمایه داری و بزرگ زمینداری است .

کار تعبیرها و تفسیرهای گوناگون از کلام امام حتی بجایی رسیده است که امثال آقای توکلی که اختلاف طبقاتی را " ودیعه خدا داد

برای آزمایش " می‌دانند، بهره افتاده‌اند و مدعی می‌شوند کسه " خوی کاخ نشینی " چیزیدی است و برعکس " کوخ نشینان " منشاء خیراند پس کوخ نشینی چیز بسیار خوبی است و قفسرو محرومیت باید حفظ شود !

اما پیروان راستین خط امام تعبیر مردمی و انقلابی خود را از سخنان امام ارائه می‌دهند. سر- مقاله " نامبرده در روزنامه کیهان در این زمینه می‌نویسد:

" آنچه امام (در رابطه با " خوی کاخ نشینی " - راه توده) هشدار می‌دهند و این هشدار برای تک تک اتحاد جامعه و مسئولین می‌باید همیشه زنده باشد، این نیست که عناصر نا آشنا و بیگانه با اسلام و انقلاب جایگزین عناصر مسئول و انقلابی شوند، این يك تغییر روشنی است که در فضای درحشان يك جامعه انقلابی بوضوح قابل رؤیت است. این هشدار بیشتر آن تغییر و تحولی را در برمی‌گیرد که خود آن دست اندرکارانی که " بحمد الله کانه نشین نیستند "، بتدریج و در يك روند آرام و نا آشکار " به کاخ نشینی توجه بکنند " و از " خلق ارزنده کوخ نشینی بیرون بروند " . "

واقعیت اینست که بخشی از دست اندرکاران جمهوری اسلامی ایران مدتی است که این روند آرام و نا آشکار را پشت سرگذاشته اند و کمربند سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ بسته‌اند و بقول حجت الاسلام رفسنجانی " به اسم علم و دین از میلیاردها علیه فقرا دفاع میکنند . "

باید اضافه کرد که این " روند آرام و نا آشکار " بیش از هر چیز در ادامه حیات نظام اقتصادی - اجتماعی رژیم گذشته ریشه دارد. اگر پایه اقتصادی - اجتماعی این نظام از اساس دگرگون نشود، " خوی کاخ نشینی " بتدریج جای " خوی کوخ نشینی " را می‌گیرد و در این هیچ شکی نیست. واقعیت این است که اگر دست اندرکاران از مردم و خواسته‌های آنها جدا شوند، و در اجرای این خواسته‌ها تزلزل نشان دهند، کم برای توجیه سستی و معاشات خویش ناچارند که بگویند: " مردم بیش از حقشان می‌طلبند " .

" امروز، همین امروز، فردا دیر است " باید مردم را به صحنه آورد تا با مردم و برای مردم تعرض راستگرایان در هم شکسته شود. کار انقلاب - ب دیگر با بحث های ظاهرا " علمی و اسلامی " پشت درهای بسته و جستجوی " راه های میانی " و سازش پیش نمی‌رود، باید نیروی لایزال " کوخ نشینان " به میدان آید تا همه محاسبه مخالفان تعمیق انقلاب بهم ریزد .

زحمتکشان و محرومان جامعه اجرای تمام و کامل قانون اساسی را می‌طلبند

زحمتکشان و محرومان جامعه ما یعنی آن ۹۸/۲ درصدی که در نخستین همه پرسی روزهای دهم و یازدهم فروردین ۱۳۵۸ با رأی خود به جمهوری اسلامی ایران رسمیت دادند و سپس بقید درصفت ۱۳

در هفته‌ای که گذشت

بیت المقدس ۱۲

با خون عزیزان خود پای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این سند گرانبهای انقلاب را اشخاص کردند بخوبی میدانند که اگر نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصول مندرجه در قانون اساسی از جمله اصول ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۹ که در حقیقت تکلیف سنگینی اقتصادی جامعه ما را روشن کرده‌اند پی‌ریزی شود فاتحانه ستعمری و استثمار کلان سرمایه‌داران خوانده خواهد شد. از سوی دیگر کلان سرمایه‌داران غارتگر نیز نیک میدانند که اگر چنین شود، دیگر جایی برای آنان باقی نخواهد ماند.

گزارشگر روزنامه کیهان به میان مردم رفته و از آنها درباره سخنان آیت الله مشکینی (راه تسوده - شماره ۳۵) در رابطه با لزوم اجرای اصول ۴۵ و ۴۹ قانون اساسی نظر خواهی کرده است. گزارشی که از این طریق تهیه شده و در روزهای ۱۱ و ۱۴ فروردین در این روزنامه آمده است، بخوبی بیانگر آن است که مردمی که به قانون اساسی رای داده‌اند، بحق از مسئولین می‌طلبند که اصول مردمی و انقلابی قانون اساسی اجرا شود.

روزنامه کیهان می‌نویسد:

"مردم می‌گویند کسانی که با توطئه‌های مختلف مانع اجرای اصول مترقی قانون اساسی میشوند در حقیقت ایادی ضد انقلاب هستند زیرا هر کدام از این اصول بر مبنای نیازهای اجتماعی و اقتصادی ایران انقلاب نوشته و تنظیم شده است."

یکی از کسانی که مورد خطاب قرار گرفته می‌گوید: "۴ سال است که از تصویب قانون اساسی گذشته است. اکنون با گذشت این مدت ضرورت دارد که کلیه نیروهایی که طرفدار اجرای قانون اساسی هستند و در دولت جمهوری اسلامی قصد خدمت به مردم را دارند این قانون را هر چه سریعتر پیاده کنند. به اعتقاد من مسئولان باید مردم را در جریان دقیق اجرای این قانون قرار دهند و مشکلاتی را که در این زمینه برای آنان وجود دارد برای مردم بازگو نمایند."

مردم تعلل در اجرای قانون اساسی را جایز نمی‌شمرند و به اعتقاد آنها، اگر از اجرای قانون اساسی، گروهی ناراضی شوند، بگفته آیت الله مشکینی نباید از ناراضی‌تای آنها هراسید و باید قانون اساسی را با قاطعیت اجرا کرد. مردم نیز این رابطه می‌گویند:

"قانون تا زمانیکه به مرحله اجرا در نیامده است تا تأثیر مهمی در جامعه نخواهد داشت. قانون اساسی هم وقتی اهمیت واقعی خود را پیدا می‌کند که توسط دولت اجرا شود. اگر اموال ناشروع به نفع مردم صادره شود، مسلماً اکثریت جامعه خوشحال خواهند شد و کسانی ناراضی می‌شوند که در اقلیت قرار دارند." (از جمله اصول ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۹ که مضمین محدود کردن مالکیت‌های کلان و دولتی کردن

رشته‌های مهم اقتصاد مانند بازرگانی خارجی است) خواست همه مردمی است که با نثار خون خود، نهال این قانون را آبیاری کرده‌اند، آنها - بی که امروز در مقابل تعرض مدافعین بزرگ ما - لکی و کلان سرمایه‌داری عقب می‌نشینند و پیسه نوشته، روزنامه کیهان "بجای مقابله همه جانبه راه مباحثات و انفعال را در پیش می‌گیرند، و طوری رفتار می‌کنند که انگار این کشور چیزی بنام قانون اساسی ندارد، فردا در پیشگاه تاریخ و همین مردم پاسخگو خواهند بود، چرا که مردم حقشان را، حق مسلمشان را، و نه چیزی بیشتر می‌طلبند. مردم می‌طلبند که طبق نص قانون اساسی، بزرگ مالکی برچیده شود و غارت سرما - یهداری محدود گردد. مردم می‌طلبند که نظام اقتصادی - اجتماعی قانون اساسی تحقق یابد."

● مردم می‌گویند کسانی که با توطئه‌های مختلف مانع اجرای اصول مترقی قانون اساسی میشوند در حقیقت ایادی ضد انقلاب هستند زیرا هر کدام از این اصول بر مبنای نیازهای اجتماعی و اقتصادی دوران انقلاب نوشته و تنظیم شده است.

سرمایه تجاری اساس جمهوری اسلامی را تهدید می‌کند

امام خمینی بمناسبت ۱۲ فروردین، روز جمهوری اسلامی، پیامی فرستادند که در آن، از جمله آمده بود:

"گران فروشان و محترکان بی‌انصاف گمان نکنند که این ظلم در حال حاضر چون سایر احوال است. امروز این نحو جنایات که ممکن است به شکست جمهوری اسلامی منتهی شود، کوشش تضعیف اسلام است. اینجانب خوف آن دارم که خداوند قهار بر شما غضب فرماید و خدای نخواستگه است ترو خشک با هم بسوزند و راه گریزی در کار نباشد."

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی نیز در خطبه‌های نماز جمعه هفته گذشته به این امر اشاره کرده و گفت:

"امام نگرانند از این مسئله (احتکار و گرانفروشی) و آن نصیحتی که امام کرده، گفتند خود کاسیها، یک فکری بکنید. این نصیحت ساد‌های نیست که امام از آن بگذرند، یادستان هست که قبلا امام درباره، خیلی چیزها اول نصیحت می‌کردند، وقتی دیدند گوش به حرف نمی‌کنند، آن تصمیم مقتضی را جای خود می‌گیرند."

امروز دیگر برهنگان آشکار است که فعالیت لجام گسیخته و غارتگرانه سرمایه‌داری تجاری، اساس جمهوری اسلامی را تهدید می‌کند و دیگر مدت‌ها است که وقت آن "تصمیم مقتضی" رسیده است. سرمایه‌دار جماعت به پند و نصیحت گوش نمی‌کند. روزنامه کیهان در این باره بد رستی می‌نویسد:

"بازار که رگ حیات اقتصادی يك جامعه محسوب و مناسبات آن نشان دهنده نوع نگرش به تجارت و گردش اقتصادی يك نظام میباشد در گذشته و نظام سابق متناسب با ساخت اقتصادی آن که مبتنی بر اصول سرمایه داری بوده شکل گرفته، پس از انقلاب احتیاج به دگرگونی و تحول اساسی داشته تا بتواند آرمان‌ها و اهدافی را که انقلاب و جمهوری اسلامی در عرصه اقتصادی در جامعه ایجاد کرده بود تحقق بخشد. ملی کردن تجارت خارجی، از بین رفتن دلالی و واسطه‌گری که عوامل گرانی و کمبود و بازار سیاه هستند و هم اکنون یکی از بزرگترین مشکلات اقتصادی مردم و جامعه به‌شمار میرود منوط و وابسته به دگرگونی در مناسبات اقتصادی دانسته و دارد که اگر از نظر دور بماند و توجه لازم به آن نشود چهار سال دیگر را پشت سر خواهیم گذاشت که این بار شاهد تسلط شکل و قالب‌ها نیز باید بود."

نظام توزیع باید از اساس دگرگون شود. نظم کنونی بازار بر روابط لجام گسیخته سرمایه‌داری مبتنی است، و سرمایه‌داران و تجار بزرگ با سود کلانی که هر روز بیشتر می‌کنند و بگمک آن هر روز قدرت اقتصادی و سیاسی فزون تری دست و پا می‌کنند، اساس نظام جمهوری اسلامی را تهدید می‌کنند. وقت اجرای قاطع قانون اساسی، دولتی لتی کردن بازرگانی خارجی، بسط شبکه دولتی توزیع داخلی و گسترش و حمایت از تعاونی‌ها فرا رسیده است.

سهیمیه کالای تعاونی "امکان" ناعادلانه است

اتحادیه امکان که تعاونی‌های مصرف حدود ۱/۲ میلیون نفر کارگر را در بر می‌گیرد، در حقیقت با احتساب افراد تحت تکفل اعضای این تعاونی‌ها باید ۶ میلیون نفر را تحت پوشش توزیع کالاها ضروری قرار دهد. بدین ترتیب باید يك ششم یعنی ۱۷ درصد کالاها توزیع شده در سراسر کشور در اختیار این اتحادیه قرار داده شود.

اما وزارت بازرگانی برای این اتحادیه سهیمیه‌ای معادل سه درصد (!) در نظر گرفت که اعتراض وسیع توده‌های کارگران را برانگیخته بد نیال این اعتراضات، اخیراً اعلام شد که ستاد بسیج اقتصادی این سهیمیه را به ۱۰ درصد افزایش داده است که با توجه به رقم ۱۷ درصدی که قاعدتاً باید سهیمیه این اتحادیه باشد، باز هم مقدار اندکی است.

این تحولات و همزمان با آن حرکت وسیع توده‌های کارگران در دفاع از اتحادیه تعاونی‌های مصرف کارگری، بد نیال هجومی انجام گرفت که مسئولین کارگر ستیز وزارت کار با انحلال هیئت دوازده نفره منتخب این اتحادیه علیه "امکان" بعمل آوردند.

کارگران آگاه و انقلابی همچون سایر عرصه‌ها، در عرصه دفاع از تعاونی‌های مصرف کارگری نیز، فعالانه بیدان می‌آیند و با طومارها و نامه‌های سرگشاده، توجه مسئولین جمهوری اسلامی ایران را به حمایت از تعاونی‌های مزبور جلب می‌کنند.

اعتراف مجله سر و ش پیرامون انحطاط هنر در جمهوری اسلامی ایران

"دلسوزی میگفت اگر روز قیامت بخواهند اسراف کاران را در آتش بسوزانند آتش‌الی‌الابد دوزخ را میتوان با کاغذ این پوسترها و تراکتها و مجلات پس از انقلاب تهیه کرد." به این اعتراض تلخ ویژه‌نامه مجله سر و ش بمناسبت چهارمیسن سالگرد پیروزی انقلاب این نکته را نیز باید افزود که کاغذها و رنگهای مصرف شده برای این پوسترها و تراکتها و مجلات با دلار، پونصد و مارک از خارج وارد کشور میشود و در واقع اندوخته‌های ارزی کشور بصرف این کارهای بیفایده میرسد. همین مجله سر و ش مینویسد: "۸۰٪ پوستره‌های چاپ شده پس از انقلاب از کیفیت بسیار بسیار ضعیف هنری برخوردار است که گاه انسان خیال می‌کند شاید سازندگان این پوسترها، تمام استعداد خود را مصروف تولید کاری با کیفیت بد و نازل کرده‌اند. مگر کسی با شلاق بالای سرما ایستاده تا ما پوستر در تیراژ صد هزار عدد چاپ کنیم، آنهم با بدترین نقاشی ممکن."

متأسفانه باید گفت این اسراف وحشتناک در هدر دادن منابع ارزی کشور، تنها منحصر به مسئله چاپ پوستر و تراکت و مجله‌های رنگارنگ نیست. این آتش‌زدن پول را، هم در صفحات زیاد چهار روزنامه مجاز میتوان مشاهده کرد، هم در ۲۴ ساعت برنامه داخلی و ۲۸ ساعت برنامه خارجی روزانه رادیو ایران، هم در فیلم سازی بزرگ تلویزیون هم در بسیاری عرصه‌های دیگر. همه آنها مثل رنگ بیابان پول مصرف میکنند اما چیزی‌هایی تهیه مینمایند که کمتر کسی تحمل میکند یا چند لحظه به آنها گوش فرا دهد یا آنها را ببیند و بخواند، زیرا در نازل ترین سطح هنری قرار دارند و گاه با عرض معذرت تسبیح آورند.

ببینید آقای محمد هاشمی مدیر عامل صدا و سیما جمهوری اسلامی در مورد مجلاتی که در کشور چاپ میشود چه میگوید: "ما الان بد و ن تعارف نشریات مختلفی را مینیمیم که تقریباً کپی یکدیگرند. ممکن است از نظر اسمی تفاوت داشته باشند ولی وقتی محتوی را نگاه می‌کنید همه یک چیز را می‌گویند."

مجله سر و ش ارگان "صدا و سیما جمهوری اسلامی" است. بنابراین باید متوقع بود که بعنوان صاحب نظر درباره "جایگاه هنر در جمهوری اسلامی" موضعگیری کند. این مجله حقایق جالبی را در مورد سیر قهقراپی هنر چهار سال پس از انقلاب فاش مینماید: متأسفانه هنوز چهارچوب کلی حرکت هنری مشخص نگردید و هر کس به رای خود ساز میزند، در حالیکه همه هم دم از هنر می‌زنند. اگر علاقهای به رشد و شکوفایی هنری بود هیچگاه تخریب آثار با ارزش معماری و یا تعطیل نگارخانه‌های خطاطی و نقاشی و یا فاجعه سیر قهقراپی هنرهای دستی با بی‌تفاوتی مسئولین برگزار نمی‌شد. ۰۰۰ گاه

گاهی امر به خود ما هم مشتبه میکرد و میپند از وظیفه خود را بخوبی انجام داده‌ایم. چه بسا کارهای تبلیغی ما که محتوای بسیار خوب هم داشته است، تنها بدلیل شیوه بد عرضه آنها به ضد تبلیغ بدل گشته است. اینها خیانت است. ویژه‌نامه مجله سپس می‌نویسد: پیش از اینها پیشنهاد کرده بودیم که شورایی بنام شورای عالی هنر تشکیل گردد تا به آشنختگی و اسراف و سرگردمی و بی‌برنامگی در عرصه هنر رسیدگی شود و برای این امر مهم برنامه‌ریزی گردد. اما خبری نشد که نشد. سکوت و بی‌تفاوتی."

نویسنده مقاله بدلیل ناموجه از میان شاخه‌های هنری فقط معماری و تئاتر و سینما و نقاشی و خطاطی را بر میگزیند که بنظر او گویا از کاربرد بیشتری برخوردارند. چرا که به عقیده او تئاتر، سینما و نقاشی ریشه در تحزیه و نقالی و سیاه‌پاز دارند و خطاطی نیز از ایدئولوژی سرچشمه گرفته است! هنر موسیقی در تمام ابعاد آن چه محلی و ملی و چه جهانی بکلی نادیده گرفته شده و حتی نفی گردیده است. نویسنده مدعی است "یقیناً پاله و اپرا هرچند که آمیختگی تئاتر در رقص و آوازند. هیچکدام جایی در این سرزمین ندارند و نهایتاً کاربردی ندارند! بدیگر سخن برای موسیقی و رقص و آواز، سه هنر عمده باستانی که هنوز در دوران پیش از اسلام از چنان شکوفایی برخوردار بوده که بتدقیق دانشمندان پایه و اساس موسیقی شرقی قرار گرفته است، قشریها جایی نمی‌یابند و آنها را بدون کاربرد ارزیابی میکنند. بدیگر ماهور، سه‌گانه، چهارگاه و دشتی و ترانه‌های محلی و رقص‌های عجیب شده در خون مسا! بنا به نوشته سر و ش "باید در میان شاخه‌های هنری، تئاتر و سینما، خطاطی و معماری را اختیار کنیم و کمر همت ببندیم."

نویسنده یادآور میشود که قبل از انقلاب "از استعداد های فعال و جوشان جوانان استفاده نمیشد، حلقه محدود هنری را در اختیار کسانی بود که با دستگاه ساخته بودند و خوش بودند، هم چنانکه امروز هم تلاش میکنند با جمهوری اسلامی کنار بیایند و برای امام حسین و حضرت علی فیلم بسازند، و یا در اختیار هنرشناسان تکنوکرات بی‌خط ۰۰۰ "پس از انقلاب" عطش و طپش شدیدی در بین نیروهای با استعداد برای فراگیری تکنیک و ارائه اثر بچشم میخورد که متأسفانه بعلت عدم هماهنگی لازم بین ارگانهای تبلیغی، عدم برنامه‌ریزی صحیح و فقدان چهارچوب مدون، بی‌توجهی، عدم امکانات، ناآگاهی مسئولین هنر از مقوله هنر و ۰۰۰ بسیاری از استعدادها هدر رفت و ذوق و شوق هاد آتش حسرت سوخت."

سپس نویسنده مقاله به چگونگی حرکت تک‌تک شاخه‌های هنری میرد از و تأثر خود را ابراز می‌دارد. فیلم سازی: بهترین سوره‌های انسانی

اخلاقی فرهنگی، نظامی، سیاسی در این چهار سال پیروزی انقلاب وجود داشته است. اما هنوز فیلمی که ارزش بین‌المللی داشته باشد و یساً توانسته باشد گوشه‌ای از عظمت رویدادی را به تصویر بکشد ساخته نشده و اگر هم شده از تعداد انگشتان دست تجاوز نکرده است. این مسئله در آرزوست. ۰۰۰ آخر چرا باید چنین فاجعه‌ای رخ دهد. چرا باید نهاد های انقلابی که وظیفه‌شان غیر از فیلم سازی است، فیلم بسازند، آنهم با کیفیت ضعیف؟

تئاتر: پس از پیروزی انقلاب نیروهای بسیار فعال و با استعداد از سراسر ایران خود را نشان دادند و بعلت کم توجهی علیرغم علاقه و کوشش تئاتر را رها کردند و به کارهای دیگر پرداختند. گروه‌های بسیاری در شهرستانها وجود داشته و دارند که با استعداد و فعالند اما بدلیل عدم امکانات مادی و آموزشی نمی‌توانند رشد کنند. نقاشی: پس از پیروزی انقلاب نقاشی نخست سیر صعودی داشته و بعد از مدتی سیر نزولی را آغاز کرده است. بسیاری از آتیه‌های نقاشی تعطیل گردیده است. اگر به اصفهان بروی و در میان بازارها و خیابان های اصلی قدم بزنید چه بسیار آتیه مینیاتور و تذهیب را مینبینی که به نمایشگاه اتومبیل و بنگاه معاملات ملکی و ساندویچ فروشی تبدیل شده‌اند. نقاشی های یوزیدها را پیدا میکنی که نقاشی را رها کرده‌اند و به مشاغل دیگر پرداخته‌اند. این سیر نزولی معلول بی‌توجهی ما و کم بها دادن دولت به این شاخه هنر است.

در پایان، ویژه‌نامه سر و ش چند پیشنهاد میکند که یکی از آنها "محدود کردن دامنه چاپ و انتشار کارهای تبلیغی بر روی کاغذ و پارچه برای جلوگیری از اسراف و اعمال ضد تبلیغی است" و دیگری اینکه وزارت فرهنگ و آموزش عالی با مسئله هنر جدی تر برخورد نماید و به عد های از جوانان با استعداد و مومن بورسهای جهت فراگیری شاخه‌های هنر و تکنیک های جدید آن برای خارج از کشور اعطا کند. "شکفتا" در حالیکه فضا را برای زندگی و رشد هنر و هنرمند روز بروز مسدود تر می‌کنند، می‌خواهند عد های را به آمریکا و اروپا بفرستند تا برایشان هنر به ارمغان بیاورند! از یک سو از دانشجویان کسانی را که در خارج در رشته‌های هنسری تحصیل میکنند، به این بهانه که بدارد جمهوری اسلامی نمیخورد قطع می‌نمایند و از سوی دیگر با چنین پیشنهادهایی آشنا می‌شویم. از اینهمه سردرگمی و ضد و نقیض گویی سردر نمی‌آوریم. مقاله ویژه‌نامه سر و ش نیاز چندانی به تفسیر ندارد. همه چیز با زبان بی‌زبانی گفته شده است و هر کس میتواند بعلت انحطاط هنر در جمهوری اسلامی ایران با اندکی اندیشیدن بی‌بهره

"الگوسازی" یا "راه سوم" کوره راه است!

بقیه از صفحه ۱۰

فرختن و شعار " نه شرقی و نه غربی " دادند و دوی صد را انقلاب کردن (فرا رسیسده) است!

متحدین طبیعی در نبرد سرنوشت ساز! لحن بتواضعانه و متین نویسنده و برخوردار علمی وی به مسائل بی‌غرضی او در تحلیل، در عین جانبداری یا فشارانه او به اعتقادات مذهبی خود، یک بار دیگر نشان می‌دهد، که برداشت حزب مسا از مسلمانان مبارز، حا - میان زحمتکشان و مستضعفان، که به دور خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی، رهبر انقلاب جمع شده‌اند، پایه عینی و واقعی دارد. همان‌طور که از تجربه این چند سال پس از انقلاب و از گفته‌های نمایندگان این نظریات دریافت می‌شود، مسلمانان مبارز نیز همانند پیروان راستین سوسیالیسم علمی درگیر نبرد

سخت و سرنوشت سازی با راستگرایان و مدافعان کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی - مدافعان " قله های ثروت های " باد آورده هستند. آنها برای نگهداری از این " هدیه گرانبها " که انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ماست، بر بنای اصول اعتقادات مذهبی و ایدئولوژیک خود مبارزه می‌کنند، ما نیز بر اساس بینش و تحلیل طبقاتی و سیاسی خود از همین " هدیه گرانبها "، از این انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی دفاع می‌کنیم. این یکی بودن نبرد و این وحدت عمل است، که ما را بطور عینی ویدور از خواست های ذهنی، متحد طبیعی یکدیگر ساخته است. اختلاف نظر ما با نویسنده مقاله از جمله در این است، که وی در عین پذیرش این اصل، که باید از " شرق " و " غرب " آمیخت، تا

بتوان چیز نوئی و " الگوئی " ویژه خود ارائه کرد، به این نکته تاکید نمی‌کند، که برای پیروزی رساندن انقلاب خود، باید از تجارب انقلابات آزاد بیخس خلقهای دیگر آموخت. به این نکته تاکید نمی‌کند، که " الگوسازی " ما را فقط باید اینگونه فهمید، که انقلاب ما چگونه می‌تواند اهدا خود امپریالیستی و خلقی خود را - استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی - کند در دتر، " سریعتر " و " هدفمندتر " تحفد بخشد؟

برای دسترسی به این اهداف تجارب انقلابات آزاد بیخس پیروزمند و شکست خورده " الگوها " کافی ای را ارائه می‌دهند. نباید به امید یافتن " راه سوم " و " الگوسازی " های خارج از این تجارب شانس به پیروزی رساندن انقلاب را فد کرد نباید آموخت که یک بار دیگر آمیختن این الگوئی موجود می‌آمیزند، که انقلابات پیروزمند آنها هستند. در سیاست داخلی تحولات بنیادی به نفع خلق را بلافاصله با قطعیت و پیگیری علییه ستمگران اجرا کردند، زمین را تام و تمام از کلان زمینداران ستانند و به دهقانان داد روز، میر - مایه‌داران بزرگ زالو صفت را از کارخانه‌ها بیرون راندند و با تجهیز کارگران و دیگر نیروهای خلقی به توسعه کمی و بالا بردن کیفی تولید ملی پرداختند، بیسودی را به کمک خلق و جوانان آن برانداختند، فرهنگ متری و مسکن مناسب را به خلق ارائه کردند، حقوق و آزادی های ملی و دمکراتیک را حراست و حق تساوی زنان و مردان را برقرار نمودند. در این زمینه‌ها مسلمانان مبارز با آنها بی به ماشیات پرداخته‌اند و با آنها به " بحث " و " گفتگو " نشسته‌اند، که از این بحث هدفی جز بدست آوردن فرصت برای سرکوب انقلاب ندارند. آنها - راستگرایان، و مدافعان گذشته - به هیچ راه حل بی بینی تن نخواهند داد، آنها نصیحت پذیر نیستند، زیرا منافع طبقاتی آنها مورد هجوم خلق قرار گرفته است.

در سیاست خارجی انقلابات پیروزمند، جای خود را در جنبه جهانی ضد امپریالیستی یافته‌اند. آنها در کنار کشورهای سوسیالیستی، در جوار جنبش‌های آزاد بیخس ضد امپریالیست و جنبش‌های متری کشورهای سرمایه‌داری قرار گرفته‌اند. آنها به عنوان کشورهای مستقل در چنین جبهه‌ای قرار دارند، اتهام " وابستگی " و یا " تمایل " این کشورها به " شرق " توهین به خلق‌هایی است، که با خلق‌های میهن ما در نبرد ضد امپریالیستی اشتراک منافع طبیعی دارند، که متحدین طبیعی انقلاب ما هستند.

این توهین و اتهام را فقط می‌توان از همان موضع خود بزرگ بینی و خود محور بینی - ای به این متحدان وارد کرد، که آقای حجتی کرمانی در ابتدای سخنش عنوان می‌کند و آن را " کفران نعمت " می‌داند.

بگذر با چنین لحن و برخوردی بحث بین مسلمانان مبارز و توده‌های باقی‌مانده، تاجیهه متحد خلق سازمان یابد. این است تنها راه " نگهداری از این هدیه گرانبها "، که " انقلاب کوخ نشینان علیه کاخ نشینان " است.

آیا این " انشاء نویسی " نیست؟

متحد عربی، عراق و دیگر کشورهای نفت خیز زیر سلطه امپریالیسم انجام شود، تا آنها آماده باشند تا با ایران و لیبی، و الجزایر یک " بانک عدم تعهد " پایه گذاری کنند و بدینوسیله " ارز ۰۰۰ " کشورهای صادر کننده نفت - طرفی در این بانک جمع و نگهداری شود. " و از این این انباشت ارز " هم بعد سیاسی داشته باشد و هم بعد اقتصادی "، آنطور که در روزنامه اطلاعات می‌خوانیم؟ بدیهی است، که تا وقتی این کشورها استقلال واقعی خود را به چنگ نیارده‌اند، تا وقتی که یک انقلاب ضد - امپریالیستی و خلقی در این کشورها وقوع نیافته است و نفوذ امپریالیسم آمریکا را به اضافه عالمین آن بر نیانداخته است، امکان این که حاکمان دست نشانده این کشورها بخواهند و یا حتی بتوانند " ارز ذخیره " و " دلارهای خود را از بانکهای آمریکا خارج سازند، اگر صفر نباشد، چیزی نزد یک به آن است. لذا " بعد سیاسی " تشکیل " بانک عدم تعهد "، آنطور که در ادامه مطلب روزنامه ادعا شده است، این نیست، که یک چنین اقدامی " میل به استقلال را در این کشورها بیشتر نشان می - دهد! و یا " همچنین یک نوع موضعگیری مبارزه با قدرت های بزرگ در آن نهفته است "، بلکه شرط چنین " موضعگیری مبارزه "، آنهم با امپریالیسم (و نه با قدرت های بزرگ، ای، ؟) که ذخیره ارزش را بلعیده است. بپا خاستن خلق و طرد ایادی امپریالیسم و به پیروزی رساندن یک انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی است که نتیجه آن تامین استقلال واقعی این کشورها خواهد بود! به قول معروف سوزن را باید از سوراخ آن نخ کرد!

با توجه به نکات ذکر شده، اکنون این سوال بقیه در صفحه ۱۱

امپریالیست ها به سرکردگی امپریالیسم جنایتکار آمریکا خلق‌های کشورهای تحت ستم را چند بار می‌دوشند.

مثلا نفت کشورهای نفت خیز را چپاول می‌کند و در ضمن آنها را مجبور می‌سازد پول نفت را در بانکهای آمریکا " ذخیره " کنند. هم اکنون میلیارد ها دلار ثروت خلقهای عربستان سعودی، کویت، امارات متحد عربی، ۰۰۰ در بانکهای آمریکائی خوابیده این میلیارد ها ارز، نه فقط وسیله سیطره مالی امپریالیسم آمریکا بر این کشورها و این خلقها است، بلکه اهرم فشار بسیار کارائی برای روز مبادا در دست امپریالیست ها است، که اگر این خلقها، همانند مردم میهن ما، محلقه بندگی فهد ها و شرکا، را پاره کردند، اهرم فشار مالی " ضبط کردن سپرده " هلی موجود در بانکهای امپریالیستی گلوی آنها را به فشار و آنها را خفه سازد و یا به تسلیم وا دارد.

هنوز میهن انقلابی ما نتوانسته است، با وجود آزادی جاسوسان آمریکا، و پرداخت بیست و چند میلیون دلاری غرامت محصل جاسوسخانه به امپریالیسم آمریکا، سپرده‌های ضبط شده خود را از چنگ آمریکا آزاد سازد. با چنین تحلیلی باید پیشنهاد مطرح شده توسط ایران در هفتمین کنفرانس کشورهای غیرمتعهد را مبنی بر تشکیل یک " بانک عدم تعهد " به طر کلی مثبت ارزیابی کرد و امیدوار بود که روزی " این پیشنهاد سازنده و انقلابی جا بیفتد. " (اطلاعات ۲۲ اسفند)

اکنون این سوال مطرح است، که شرایط علمی تحقق این پیشنهاد، که " مدت مدیدی طول خواهد کشید تا ۰۰۰ جا بیفتد " (هما - نجا) چیست؟ بعبارت دیگر چه تغییراتی باید در عربستان سعودی، کویت، امارات



دخالت آمریکا

روزنامه آمریکایی "نیویورک تایمز" جزئیات جدیدی از مداخله مستقیم آمریکا در عملیات خرابکارانه باند های ضد انقلابی نیکاراگوئه و تاجرانها به خاک این کشور را فاش ساخت. این روزنامه از قول یک مقام هند وراسی که مستقیماً در برنامه ریزی عملیات سری آمریکا شرکت داشته و ارتباطات نزدیکی با نظامیان هند وراس و دیپلماتهای آمریکا دارد گفته است که آمریکا بطور مداوم اطلاعات امنیتی در باره نقل و انتقالات نیروهای ارتش نیکاراگوئه را در اختیار باند های ضد انقلابی میگذارد. کارشناسان جاسوسی آمریکا مستقیماً در مرز بین هند وراس و نیکاراگوئه عمل میکنند و اطلاعات جمع آوری شده را گزارش میدهند. طبق گفته این مقام تمام این باند ها از طرف آمریکا آنها را تعلیم دیده و اکثر سلاحها آنها نیز از آمریکا تأمین شده است. بنا به نوشته روزنامه "نیویورک تایمز" ارتش هند وراس نقشه ای برای ترتیب پل هوایی و رساندن " دولت موقت " به نیکاراگوئه در دست دارد. این روزنامه تأکید کرد

است که خطر تبدیل شدن این درگیریها به جنگ میان دو همسایه افزایش یافته است. هفته نامه نیویورک نیز در شماره اخیر خود فاش ساخته است که سازمان " سیا " تا کنون ۳۰ میلیون دلار برای انجام این عملیات خرابکارانه توسط باند های ضد انقلابی خرج کرده است.

قطع روابط فرهنگی

جمهوری خلق چین تمام موافقتنامه های مبادلات فرهنگی و ورزشی خود را با آمریکا قطع کرد. دولت جمهوری خلق چین در هفته گذشته اعلام کرد که نکات هنوز انجام نشده قرار داد فرهنگی میان دو کشور، که برای سالهای ۸۲ و ۸۳ منعقد گشته بودند دیگر انجام نخواهند گرفت. در اعلامیه دولتی که بدین مناسبت صادر شده است، آمده که این گام، عکس العملی در برابر مداخلات مداوم آمریکا در امور داخلی جمهوری خلق چین و خدشه دار ساختن اصل احترام متقابل از طرف آمریکا است. اعطای باصطلاح " اجازه " است به علل سیاسی " به یکی از ورزشکاران چینی از طرف آمریکا یکی از نمونه های آنست. در این اعلامیه آمده است که حادثه پیرامون ماندن این ورزشکار در آمریکا از مدت ها پیش از طرف سروسها جاسوسی آمریکا تدارک دیده شده بود.

يك ابتكار انقلابي

یورش راست گرایان به حزب توده ایران و دستگیری رفیق نورالدین کیانوری و گروهی دیگر از رهبران حزب، موج وسیعی از اعتراضات و همبستگی همه هواداران راستین انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ما را برانگیخته است.

" راه توده " روزانه دهها نام (همبستگی) به همراه شعر و نقاشی دریافت می کند که همگی سرشار از روح همبستگی مبارزه جویانه با سرداران و مدافعین واقعی خلق که اکنون در بندند و حزب توده های آنهاست .

در این رابطه وظایف " راه توده " که با کمکهای مادی و معنوی رفقا و هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور منتشر می شود، توسعه یافته و سنگین تر می شود و نیاز آن به دریابندگان های مادی و معنوی افزایش می یابد .

بدین منظور رفقای هوادار حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در شهر آخن - آلمان فدرال (شهری که رفیق کیانوری در آن به تحصیل اشتغال داشته است) یک ابتکار انقلابی پیشنهاد کرده اند .

طبق این پیشنهاد یک " سابقه انقلابی " بین سازمانها، رفقا و هواداران حزب و سازمان آغاز می شود. بدین ترتیب که هر یک از هزینه چاپ يك شماره از " راه توده " را از طریق جمع آوری کمک های مالی و ابتکارات گوناگون متقبل می شوند و آن شماره از " راه توده " به نام واحد های کمک کننده منتشر خواهد شد .

بکوشیم تا با شرکت هر چه وسیعتر خود در این سابقه انقلابی، به انتشار هر چه گسترده تر " راه توده " یاری رسانیم !

آمادگی خود را هر چه زودتر به اعلام نمائید!

رفقای پیشنهاد کننده از شهر آخن هزینه چاپ شماره ۳۶ " راه توده " را تأمین کرده اند.

کنفرانس علمی بین المللی کارل مارکس و زبان ما

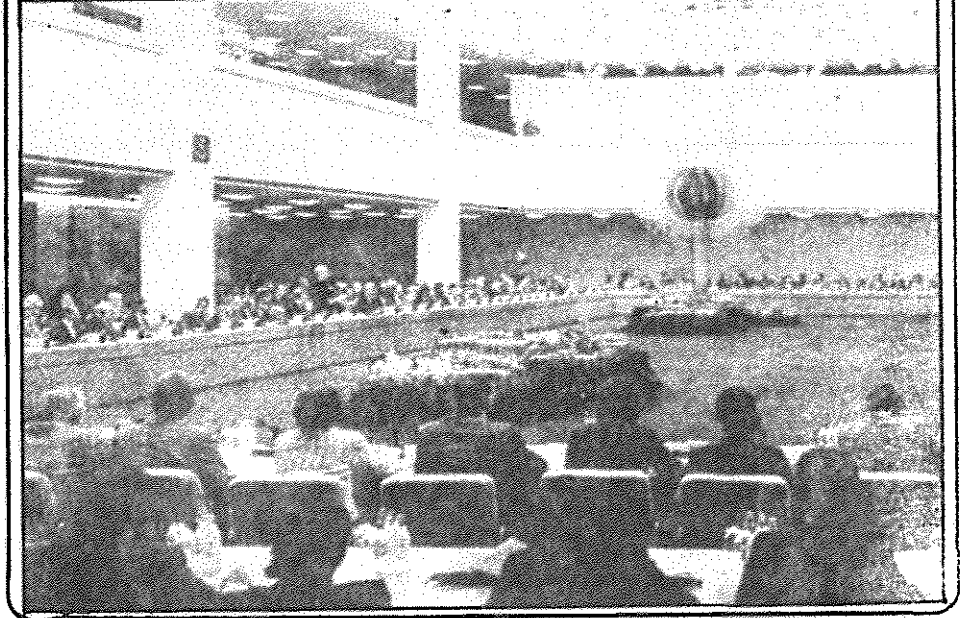
نیست و کارگری، احزاب دمکراتیک انقلابی و سوسیال دمکرات و همچنین از جنبشهای آزاد بیخش شرکت دارند .

از طرف حزب توده ایران رفیق علی خاوری، عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران در کار این کنفرانس شرکت دارد .

این کنفرانس پیشنهادت طول خواهد کشید . در شماره آینده " راه توده " گزارشی از کار این کنفرانس مهم بین المللی را به اطلاع خوانندگان خود خواهیم رساند .

کنفرانس علمی بین المللی کارل مارکس و زبان ما - مبارزه در راه صلح و پیشرفت اجتناب ناپذیر است که به مناسبت صدمین سالگرد مرگ و صد و شصت و پنجمین سالگرد تولد کارل مارکس، پیشنهادت از سوسیالیسم علمی، از طرف حزب سوسیالیست متحده آلمان ترتیب داده شده است. در برلین، پایتخت جمهوری دمکراتیک آلمان با نطق افتتاحیه، ارایش هوگو دبیر کل جدید مرکزی این حزب گشایش یافت .

در این کنفرانس، که پیش از رویدادهای مهم بین المللی در سال جاری بشمار میرود، رهبران و نمایندگان بیش از ۱۵۰ حزب کمونیستی



RAHE TUDEH
No. 37
Friday, 15 Apr. 83
Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England 30	P.
West-Germany	Belgium 22	Fr.
1	Italy 600	L.
France 3	Fr. U.S.A. 40	Cts
Austria 8	Sch. Sweden 3	Sk.

راه تووه